



چگونه گناه نکنیم

جلسه دوم



تهران | حسینیه پیروان حضرت مهدی (عج)

۲ مرداد ماه ۹۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

----- لینک دانلود فایل صوتی سخنرانی -----

<http://dl.masaf.ir/Ba-Ostad/Sokhanrani/Sayer-Hamyashha/Tehran/Tehran%20-%20Ramazan1393/www.masaf.ir-OstadRaefiPour-Ramazan1393-Shab2.80.mp3>

دقیقه ۰ تا ۵- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ اللَّعِينِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلام علیکم و رحمت‌الله، جلسه پیش در مورد این صحبت کردیم که شیطان، به هر حال خواست بر خلاف آن حرکت خلقت بایستد، اذیت خودش را برساند، اما در پازل خدا تعریف شد، وسیله است. شیطان با تمام ملعون بودنش و این که ما هیچ علاقه و حبی هم به این ملعون نداریم، تأکید می‌کنیم و لعنتش هم می‌کنیم (لعنت‌الله‌علیه) اما با این وجود، می‌گوییم حتی در پازل یک شیعه‌ی اثنی‌عشری، شیطان هم می‌تواند وسیله‌ی رشد باشد. ویژگی یک شیعه این است که، هیچی نمی‌تواند او را در بن‌بست بگذارد. شما را ۱۴ سال داخل زندان انفرادی بیندازند، برای آن ۱۴ سالی که داخل زندان هستی برنامه داری، چون امامت داشت. یک جای دیگر تبعیدت کنند، می‌توانی کار کنی. چون امامت را تبعید کردند. مثل امام حسن عسگری که در پادگان نظامی بود، در منزلش حبس کردند، یعنی خانه‌ی حضرت داخل منطقه‌ی نظامی بود، می‌توانی کار کنی. ۳۰ هزار نفر به ۷۰ نفر حمله کنند، می‌توانی کشته شوی، اما این قدر قشنگ این سناریوت را بچینی که تو پیروز ماجرا باشی. شیطان راه‌شناس هست "إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا" صراط مستقیم را می‌شناسد. اصلاً راه را باید شناسی که بیراهه معرفی کنی. منتها برای کسی که بتواند وصل شود و این طناب و زنجیرهایی که از او آویزان است را باز کند که نتواند او را بکشد، دیگر هیچ کاری نمی‌تواند بکند. نهایت کاری که می‌کند مثلاً شما را بین دو تا خیر، مختیر می‌کند. این ۱۰۰ ثواب دارد، این ۵۰ ثواب، شما را سمت خیری که ۵۰ ثواب دارد می‌فرستد، که کمتر ثواب جمع کنید. بیشترین جایی که شیطان حضور پیدا می‌کند، جایی است که برای آقا صاحب‌الزمان کار می‌شود و صحبت می‌شود و یک اتفاقی دارد می‌افتد. به چند جهت، اول این که گردن این ملعون قرار است زده شود، نگران است. دوم این که با ثواب‌ترین و پرثواب‌ترین کارهاست. حداقل به این دو دلیل بیشتر از همه‌جا، انرژی می‌گذارد تا بتواند ماجرا را تغییر دهد.

ما اول روش‌های حمله‌ی شیطان را بررسی می‌کنیم، که بتوانیم خوب دیوار دفاعی بچینیم. زمینی حمله می‌کند هوایی نباید دفاع کنیم. حمله زمینی، زمینی باید دفاع کنید. در مقابل ناو باید اژدر^۲ بزیند، زیردریایی بزیند. ما تا حمله‌اش را نشناسیم، نمی‌توانیم.

۱ «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» / نساء ۷۶.

۲ اژدر یک سلاح انفجاری پرتابی است که از دریا و در درون آب پرتاب می‌شود.

بعضی‌ها که کلاً حمله‌ی شیطان را قبول ندارند. می‌دانید چرا؟ چون از یک استراتژی خیلی جالبی این ملعون استفاده کرده‌است. چون خودش به ما چیزی نمی‌گوید، از درون ما با ما صحبت می‌کند. به نفس ما پیشنهادات می‌دهد، ما فکر می‌کنیم این ایده‌ای که شیطان به ما داده‌است، ایده‌ی خودمان است. فلذا جلوی شیطان نمی‌ایستیم. می‌دانید چرا؟ چون فکر می‌کنیم جلوی خودمان ایستاده‌ایم. ویروس ایدز خیلی بد است، هنوز نتوانستند درمانی پیدا کنند، درمانی هم ندارد. این ویروس می‌آید روی گلبول‌های سفید می‌نشیند. گلبول سفید خودش در بدن همان کسی است که باید به بقیه‌ی اخطار دهد. سرباز بدن است. کسی نیست به او اخطار دهد. بهترین جایی که می‌شود رفت تا یک بدن را از پا انداخت، یک مجموعه‌ای را از پا انداخت، بروید در پادگان‌های نظامی، داخل پلیس‌هایشان نفوذ کنید. شیطان از درون خودمان با ما صحبت می‌کند. پس ما در مرحله‌ی اول باید بفهمیم این حمله‌ی شیطان است، بعد از تشخیص، آژیر را بزنیم، بگوییم حمله‌ی شیطان است. چون خودت را می‌شناسی، می‌گویی این فکر، فکر من نیست. خیلی از بچه‌های مذهبی و هیئتی و خودی، به من می‌گویند بعضی موقع‌ها یک حسی در ما می‌آید، شیطان لعنه‌الله‌علیه، (خوب تشخیص می‌دهند، می‌گویند شیطان) وسوسه می‌کند مثلاً به اهل بیت خدای نکرده توهین کنیم. در ذهنشان پیش می‌آید. این وسواس فکری است که شیطان می‌خواهد به آن‌ها بدهد. اصلاً برعکس، از این باید نتیجه گرفت خب الحمدالله، اهل بیتهی بودن من، دارد به این فشار وارد می‌کند.

دقیقه ۵ تا ۱۰- بعضی‌ها سنگر خالی می‌کنند، دیگر روزه نمی‌روند. می‌گویند روزه می‌رویم، او مدام در ذهنمان می‌آید، ما دیگر نمی‌رویم. نه، بازی خوردی. فهمیدم کار شیطان است، شیطان کارش همین است، شیطان وسواس فکری می‌اندازد، اصلاً باید بگوید به تو چه؟ من خدمت یکی از اساتید اخلاق رسیده بودم، صحبت همین مطلب شد، گفتم آره بعضی‌ها این‌طوری هستند، گفت به خود من هم چند مرتبه رجوع کردند. (چیزی هم هست که آدم جایی نمی‌تواند بگوید چون نشانه‌ی بد بودن می‌دانند) گفتم برعکس، آن امامی که این دست روی‌اش گذاشته است، تو برای رسیدن به خدا به این گره بخوری بهتر می‌رسی، پس دست بگذار. خدا می‌داند، که هر بار در آن حس، فکر به ذهنت می‌آید ناراحت می‌شوی، بگو خدا می‌داند و شاهد است که ته دل من، شیطان است که دارد مدام یک حرفی را می‌گوید. شیطان در این زمینه‌ها ورود پیدا می‌کند. طرف یک فیلم مستهجن نگاه می‌کرده، در یک سایت مستهجن می‌چرخیده، بعد یک مرتبه به خودش آمده و دیده زیر لب دارد نوحه زمزمه می‌کند، بدون این که متوجه شود. این خیلی نکته‌ی عجیبی است، این کار شیطان است. می‌دانید چرا؟ این نوحه را که با خودش زمزمه می‌کند این تصاویر را می‌بیند، فردا می‌آید در روزه چه می‌شود؟ تصاویر جلوی چشمش می‌آید. باید مراقب این اتفاق باشید، یعنی این همه ترانه و کوفت و زهرمار، اصلاً آهنگ‌های مجاز تلویزیون. آن‌ها را زیر لب زمزمه نمی‌کند به او یادآوری نمی‌کند، یک مداحی را یادآوری می‌کند که در ذهنش بیاید. این‌ها نکته‌است.

اصلاً من خودم را جای شیطان می‌گذارم، یک جاهایی که شما می‌خواهی دشمنت را زمین بزنی، باید خودت را جای او بگذاری. بگویی الان من جای او بودم چه‌طوری حمله می‌کردم؟ شما شطرنج بازی می‌کنید با خودتان بازی می‌کنید، با آن حریفان بازی نمی‌کنید، چون او که نقشه‌اش را لو نمی‌دهد، تو خودت را جای او می‌گذاری، مثلاً می‌گویی من اگر ۵ سرباز داشته باشم دو فیل هم مانده باشد و یک رُخ و مثلاً یک وزیر دارم، الان جایشان هم داخل صفحه این جاهاست، چه‌طوری حمله می‌کردم؟ خودت را جای او با مهره‌های او می‌گذاری، بعد خودت دشمن می‌شوی. خیلی جالب است. در این زمینه هم شیطان را باید این‌طوری دید. من می‌گویم جای شیطان باشم، این هیئت را می‌خواهم تعطیل کنم، چه کار می‌کنم؟ مدام بگویم یزید^۱ خوب بود؟ مضحک است. لعنه‌الله‌علیه. نشدنی است. این‌ها را بخواهم زمین بزنم، می‌دانید چه‌طوری زمین می‌زنم؟ از خود حبّ امام حسین وارد می‌شوم. امام حسین عشق است، بر منکرش هم لعنت. شما را این‌جا می‌آورد، یک‌طوری برای اباعبدالله به سر و کلاه‌تان می‌زنید که عزیز از دست بدهید این‌طوری نمی‌زنید. هر چیزی که کنار این عشق تکرار شود آن هم ارزشمند می‌شود. برای همین می‌گویند چای روزه اصلاً یک چیز دیگری است. چای روزه همان چایی است، همان آب است. درست است برای امام حسین بودن اثر وضعی‌اش را دارد، اما چون با امام حسین حال می‌کنید، اصلاً

۱ یزید بن معاویه بن ابی سفیان (۲۵-۶۴ق)، دومین خلیفه سلسله اموی که به دستور او امام حسین و یارانش در کربلا به شهادت رسیدند.

امام حسین غم نمی آورد اشتباه نکنید. شادی می آورد. بعد از هیئت دیدید دنبال یک بهانه‌اید تا بخندید؟ اصلاً بعد هیئت شاد می شوید. هیئتی‌ها مدام می خندند، دست خودشان نیست. چون نشاط پیدا کردند. تنها گریه‌ای است که در دنیا من دپدم با خودش نشاط می آورد، گریه بر سیدالشهداست، اصلاً بر اهل بیت، علی‌الخصوص سیدالشهدا. شادی می آورد، قلب آرام می شود، آدم به آرامش می رسد، شاد می شود. این شرطی شدن است. هر چیزی الآن کنار این بیاید، دوست‌داشتنی می شود. اصلاً قیمه‌ی اباعبدالله یک چیز دیگری است.

من خودم را جای شیطان می گذارم، چه کار می کنم؟ می گویم این مهدی که می خواهد ظهور کند همه‌اش یک ۲۰۰، ۳۰۰ میلیون از این‌ها دارد که پای او می ایستند، یک مقداری‌اش هم که نادان هستند، شیعه‌ی فرمی هستند، اگر فرم پر کنند، شیعه می زنند. این‌ها برای امام حسین این طوری اشک می ریزند اگر آقا بیاید چه کار می کنند. این‌ها ولی فقیه گفته است بروید تکه تکه پاره شدند، اگر معصوم بگوید چه کار می کنند. این‌ها نباید زیاد عمر کنند، مثلاً می گوید قلیان بعد روزه هم می چسبد. فهمیدید چه شد؟ چه بازی‌ای خوردید؟ در این که قلیان ضررش از سیگار هم بیشتر است کسی شک ندارد، بروید از دکترا پرسید. سخنرانی‌اش را هم من کردم، یک ۶۰ دقیقه قلیان کامل، معادل ۲۰۰ نخ سیگار است یعنی ۱۰ بسته سیگار. می دانید چون روزه خوب است، نشاط دارد، هرچه که کنارش بیاید خوب می شود. من نگرانم که یک گناهی هم بیاید کنارش، که بعداً بگویند این هم اون طوری می چسبد. شدنی است! شیطان بخواهد زمین بزند برای من و تو نمی آید بگوید یزید خوب است. از این راه وارد می شود. شیطان شناس باشید. دشمن حمله می کند، دشمنی می تواند به ما ضربه بزند که لباس یونیفرم

دقیقه ۱۰ تا ۱۵- سرباز خودی را تنش کند. نمی دانید چه کسی را بزنید! اسرائیلی‌ها می گفتند ما در جنگ ۳۳ روزه^۱ خیلی اذیت شدیم، می دانید چرا؟ نمی فهمیدیم، یکی از خودمان داشت به ما تیر می زد. بچه‌های حزب‌الله^۲ لباس اسرائیلی‌ها را نشان می کردند پشت درخت‌ها، داخل تونل‌ها مخفی می شدند. این‌ها که می آمدند، یک خمپاره می انداختند، بعد که می خوابیدند، یکی از همین حزب‌اللهی‌ها می پرید وسط این‌ها می خوابید. بلند که می شدند، این می دانست چه کسی را باید بزند اما آن‌ها نمی دانستند چه کسی را باید بزند، متوجه شدید؟ چون این می داند جز خودش هر کسی آن جا هست دشمن است، می تواند بزند بکشد. اما آن یکی نمی داند شاید رفیقش است. آن‌ها هم که دیده بودید تا دندان مسلح، یک چشمشان فقط بیرون است. آن حزب‌اللهی این‌ها را می زد، این‌ها می گفتند آشباح به ما تیر می زنند، یکی از داخل خودشان داشت تیر می زد. روش علیه دشمن فعالیت کردن همین است، جز این نیست.

خدمت امام‌باقر رسیدند و گفتند: آقا من در دستگاه خلفای عباسی^۳ هستم، حضرت می گفتند: بمان، ما باید آن‌جا آدم داشته باشیم. خیلی از کسانی که شیعه می شوند با من صحبت می کنند، می گویم اعلام نکنید، عجیب جلویشان را می گیرم. تا الآن شاید ۹۵٪ این‌ها اعلام نکردند. برای این‌که: ۱. حساسیت به وجود می آورد، ۲. اذیت می شوند، ۳. وحدت به هم می خورد، ۴. خیلی خبرها هست که راحت به آدم می رسد. من از داخل خانه‌ی برخی از این تکفیری‌ها^۴ خبرهایی دارم، که خودشان ندارند. توضیح بیشتر نمی شود داد. پس بدانیم دشمن این طوری می آید. چه قدر می تواند آن آژیرت قوی باشد، بگویی حمله صورت گرفت، این فکر مال من نبودو جمعش کنید.

۱ تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۲۰۰۶ میلادی که ۳۳ روز به طول انجامید و با شکست اسرائیل پایان یافت.

۲ حزب‌الله لبنان، بزرگ‌ترین حزب شیعی و تشکیلاتی سیاسی، نظامی و مذهبی در لبنان است که با هدف مقابله با تهدیدات نظامی اسرائیل شکل گرفته است.

۳ بنی عباس، حکومت: (۱۳۲ق - ۶۵۶ع / ۷۵۰م - ۱۲۵۸م). از مهم‌ترین سلسله‌های خلافت اسلامی که بیش از پنج قرن بر اکثر مناطق اسلامی حکومت داشت. این سلسله با انقراض امویان کار خود را شروع کرد و توسط مغولها از بین رفت. عباسیان از نسل عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر بودند.

۴ تکفیر، اصطلاحی در کلام و فقه به معنای نسبت کفر دادن به مسلمان است. تکفیری یعنی گروهی به ظاهر مسلمان با قرائت خشن و متحجرانه از سنت نبوی و برداشت‌های ظاهری از آیات قرآن و از پیروان محمد بن عبدالوهاب.

نکنه‌ی دیگری که یک مقداری از آن ناتمام ماند یکی از تاکتیک‌ها که برای مقابله با شیطان و گناه‌است، خراب کردن پل‌های پشت سر بود که به سمت گناه ختم می‌شد. گفتیم این کار را قطعاً انجام بدهید، نتیجه می‌گیرید. من می‌دانم اگر این داخل لپ‌تاپم باشد گناه می‌کنم، فیلتر شکن را پاک می‌کنم. می‌دانم این کلیپ باشد، سراغش می‌روم. می‌دانم این فیلم سینمایی به خاطر این سکansı که دارد، سراغش می‌روم، همین یک سکانس را هم می‌روم نگاه می‌کنم. شیفت، دیلیت/shift delete کن، دیلیت/delete هم نه، برو در آشغالی یک وقت دیدی باز گولت زد گفت برو از آن جا برش گردان. شیفت دیلیت/shift delete کن. بمب اتم بگذارید پشت سر را خراب کنید. می‌خواهی هم بروی سمتش می‌گویی، دیگر نیست که بروم. البته این روشی که خیلی ساده و ابتدایی‌است، به مرحله‌ای می‌رسید که آن دم دستت هم هست دیگر نگاه نمی‌کنی. مسیحی‌ای که در فرانسه شیعه می‌شود، در آمریکا شیعه می‌شود، او در خیابان چه کسی را می‌بیند؟ تلویزیونش را روشن می‌کند دعای ندبه^۱ پخش می‌کند؟ همان چیزهایی پخش می‌کند که تو به آن ماهواره می‌گویی، پس چه طوری خودش را نگه داشته‌است؟ فیلتر او در ذهن و قلبش است. هر طوری می‌آید سراغش نمی‌تواند. برای او برنامه دیگر دارد. پس یکی از تاکتیک‌هایی که معرفی کردیم این بود که جلوی شیطان، پل‌های پشت سر خودمان که مربوط به گناه می‌شود را خراب کنیم. من می‌دانم با این خانم تنها قرار بگیرم به گناه می‌افتم. می‌دانم جواب این اس‌ام‌اس/ش SMS را بدهم، او باز اس‌ام‌اس/SMS می‌دهد. باز من اس‌ام‌اس/SMS می‌دهم. جواب اس‌ام‌اس/SMS را نمی‌دهم. بعد می‌بینی اس‌ام‌اس/SMS دوم او این است، باشد عیبی ندارد، تو دل من را شکستی، بعد باز شیطان می‌آید می‌گوید نه، اس‌ام‌اس/SMS بده او الآن دلش شکسته‌است، دل یک نفر را شکستی گناه دارد. می‌گویی به تو هیچ ربطی ندارد، باز هم جوابش را نمی‌دهم. بازی نخورید. یکی از روش‌های گول زدن حمله، تزئین است. یکی دیگر هم گفتیم شیطان القاء اُمنیّه می‌کند. اُمنیّه گفتیم ۴، ۵ تا از آرزوهای اصلی که به آن آرزوی اصلی‌تر زندگی ما یعنی سؤل ما ختم می‌شود. باید اُمنیّه چنان در راستای سؤل باشد که اُمنیّه‌ات عین سؤل باشد، هیچ فرقی نکند. یک نفر می‌خواهد بگوید من می‌خواهم به امام‌زمانم برسم، به معرفت امام‌زمانم برسم، این سؤل زندگی من است. مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يُعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً^۲، حالا برای این که به معرفت امام‌زمانم برسم، می‌خواهم بروم درس حوزه بخوانم. می‌خواهم یک دور کامل درس تفسیر قرآن بخوانم. می‌خواهم بروم مهدویت‌شناسی بخوانم. قرآن‌هایی که دارد می‌خواند، می‌شود عین همان. دعای ندبه خواندی؟ به امام‌زمان چه می‌گویی؟ اُمنیّه شَاتِقِ يَتَمَى^۳،

دقیقه ۱۵ تا ۲۰- اُمنیّه شوق می‌آورد. می‌گوید تو آن اُمنیّه‌ی من هستی، که من اصلاً به شوق تو می‌آیم. اُمنیّه‌ات را چه گذاشتی؟ حضرت موسی گفت خدایا، قبول من می‌روم کار فرهنگی کنم. منتها یک سری ابزار لازم دارم به من بده که اگر نداشته باشم نمی‌شود. خدا گفت خب چه می‌خواهی؟ گفت رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي، وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي، يَفْقَهُوا قَوْلِي، وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي، هَارُونَ أَخِي^۴، این‌ها را می‌خواهم. ما پارتی‌بازی در اسلام نداریم، اما شایسته‌سالاری داریم. چون خود حضرت موسی می‌گوید برادرم هارون کارش خوب است، او را وزیرم قرار بده. او را پیشنهاد داد، باز او را هم خدا باید انتخاب کند. گفت وَاجْعَلْ، جانشین پیامبر را پس

۱ دعای ندبه از دعاهای بسیار مشهور شیعیان است که از امام ششم شیعیان نقل شده است و در فراق امام زمانشان می‌خوانند.

۲ «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی مرده است.»/ این حدیث از پیامبر (ص) و امام صادق (ع) با اندک تفاوتی در الفاظ، در منابع مختلف شیعی و سنی آمده است: مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۴۶/ احمد بن حنبل، مسند احمد، ۱۴۲۱ق، ج ۲۸، ص ۸۸/ بحار الأنوار - ط مؤسسة الوفاء، علامه مجلسی، ج ۳۲، ص ۳۲۱/ تفتازانی، شرح مقاصد فی علم الکلام، ج ۲، ص ۲۷۵/ ملا علی قاری، الجواهر المضية، ج ۲، ص ۴۵۷ / صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۲، ح ۴۶۸۶/ الکافی - ط الاسلامیة، شیخ الكلینی، ج ۱، ص ۲۷۶/ وسائل الشیعة - ط الإسلامیة، حر عاملی، شیخ أبو جعفر، ج ۲۰، ص ۲۸۷؛ ج ۱۱، ص ۴۹۲؛ ج ۱۸، ص ۵۶۷....

۳ «بِنَفْسِي أَنْتَ اُمنِيَّةُ شَاتِقِ يَتَمَى مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا؛ جانم فدایت، تو آرزوی هر مشتاقی که آرزو کند، از مردان و زنان مؤمن که تو را یاد کرده، از فراق ناله کنند»/ فرازی از دعای ندبه، مفاتیح الجنان.

چه کسی انتخاب کرده است؟ خدا. نکته دارد. جانشین پیامبر را خودش نمی‌تواند انتخاب کند. فقط خدا می‌تواند انتخاب کند. گفت **وَاجْعَلْ**، تو باید قرار بدهی. خدا گفت باشد، خوب است، ما هم قبولش داریم، اهل هم هست. **مَنْ أَهْلِي**، این طرف من اهل بی‌تی می‌شود، قرآن همه‌ی این‌ها را گفته است، کورند نمی‌بینند خدا شاهد است. همه‌ی این‌ها را که خواست، خدا گفت: **"قَالَ فُذُّ أُوتَيْتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى"**^۱ موسی سؤلت را به تو دادیم، خواسته‌ات را به تو دادیم. سؤل یک مورد است، اما او چند مورد خواست. یعنی چی؟ یعنی خدا گفت من می‌دانم تو همه‌ی این‌ها را برای یک مورد می‌خواهی. سؤلت چیست؟ شیطان یکی از کارهایی که می‌کند القاء اُمْنِیّه است. اُمْنِیّهات چیست؟ آن را عوض می‌کند. نسبت به یک چیز باطل یک شوقی در تو به وجود می‌آورد. وقتی با خودت می‌گویی که چی؟ دو دو تا چهار تا می‌کنی، کلاهد را قاضی می‌کنی، می‌بینی ای داد بیداد، کلاه سرت رفته است، به خدا این چیز اصلاً به درد شما نمی‌خورد. مثلاً می‌گوید برو درس بخوان، می‌بینی آن درس خواندن باطل بوده است. به درد تو نمی‌خورد. نمی‌گویم درس خواندن باطل است، برای یک فرد خاص می‌گویم. یا مثلاً شیطان گفته برو کار کن، می‌فهمد برعکس، در این کار رفتن، باطل بوده است. یک شوق عجیب بیخود برایش به وجود آورده است. شوق خارج رفتن بهبوده، می‌رود بدبخت می‌شود. خیلی از این‌هایی که خارج می‌روند مثل حکایت پینوکیو هستند. کارتونس را دیده بودید؟ یک قسمتی داشت خیلی قشنگ بود. یک شهر بازی بود، خیلی عالی بود، می‌رفتند آن‌جا کیف می‌کردند، مثل خارج برایشان بود، یک چند وقتی عشق و حالشان را کردند و چرخ‌وفلک و تاب و کاترپیلا و رنجر و ... سوار شدند، بعد چند وقت آرام آرام گوش و سُم درآوردند. بعد مثل خر از آن‌ها کار کشیدند. اروپا هم همین شده است، از این‌جا نشسته فکر می‌کند مثل شهر بازی است، منتها آن‌جا کسی که مثل خر کار نکند یک قرون هم به او نمی‌دهند، با لگد به بیرون پرتش می‌کنند. چون آن‌جا همه چیز پول است، یک آدم تنبل، کسل، فشل از این‌جا می‌خواهد فرار کند. می‌رود آن‌جا می‌بیند نه این‌طور نیست، خدا پدر ایران را بیمارزد، این‌جا باید عین ۸ ساعت را کار کنی، بعدش هم یک شغل دیگر هم داشته باشی که بشود زندگی کرد. این‌ها پینوکیو هستند. یک شوقی در او به وجود آورده است، می‌رود آن‌جا خرکاری هم تازه می‌کند. دختر خانمی که این‌جا می‌شناسم، حاضر نبود نمکدان روی سفره‌ی مادرش را جابه‌جا کند، الآن دارد در یکی از این کشورهای اروپایی در یک رستوران کار می‌کند. جلوی این‌هایی که عرق خوردند، میزشان را تمیز می‌کند. تکه هم به او می‌اندازند. شوقی در او به وجود می‌آورد که باطل است. مبدا شوقی برای رسیدن به آن اُمْنِیّه، ابلیس^۲ در تو به وجود بیاورد. بعضی موقع‌ها تو داری برای امام‌زمان کار می‌کنی، یک مرتبه یک القاء اُمْنِیّه می‌کند، آقا بیا این بازی را برای امام‌زمان بساز، این سخنرانی الآن فایده ندارد. خوب که تا آخرش فکر می‌کنی، می‌بینی عجب این بازی یک چاله‌ای است، بروی داخلش بیفتی دیگر نمی‌توانی بیرون بیایی. یعنی بخواهد تو را زمین بزند، اُمْنِیّه‌ای در تو به وجود می‌آورد. بازی برای امام‌زمان ساختن بد است؟ یک بازی کامپیوتری مثلاً با موضوع مهدویت؟ نه. چه کسی می‌گوید بد است. اما یک چاله‌ای می‌شود، باتلاقی می‌شود تو را داخلش می‌اندازد، می‌بینی اشتباه کردید. این‌جا باید چه کار کرد؟ باید استشاره کرد. مشورت کنید، بروید بپرسید. یک نفر بازی ساخته است، از او بپرس یک بازی چه قدر وقت می‌برد؟ چه طوری است؟ اصلاً شاید به این نتیجه رسیدی که ایده‌ات را دادی یک جای دیگر، بازی را ساخت. بازی نخورید، اصلاً و ابداً بازی نخورید که این ملعون خیلی خُبره است. مثل من و شماها، خیلی زیاد زمین زده است. حتی این القاء اُمْنِیّه را ابلیس، در مورد پیامبران هم انجام می‌دهد. آیه‌اش در قرآن در مورد پیامبران هست. به آن‌ها هم القاء اُمْنِیّه می‌کند، یک شوق باطل در یک چیز خوب به وجود می‌آورد که نسبت به آن هدف اصلی، سست‌تر است^۳.

۱ طه ۳۶.

۲ نام اصلی وی حارث (حرث) بوده که به خاطر عبادت‌های طولانی مدتش، او را عزازیل یعنی عزیز خدا، می‌گفتند. اما پس از تکبر و خودبینی‌اش، ابلیس نامیده شد، یعنی کسی که از رحمت خدا مایوس گردید و پس از خودداری از سجده بر آدم و رانده شدنش از درگاه الهی، الشیطان یعنی دور شده از رحمت و خیر نام گرفت.

۳ اشاره به آیه ۵۲، سوره حج: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ».

دقیقه ۲۰ تا ۲۵- بازی نخورید. از فردا باید هر پیشنهادی به تو می شود در ذهنت بسنجی، با عقل و شرع تطابقتش بدهی، بعد انجام بدهی. بعد هم اگر دو مورد موازی شد باز بهترین را انتخاب انجام دهید. گاهی آدم می خواهد با یک دست هزارتا هندوانه بردارد، که نمی شود.

قرآن در مورد حمله‌ی دیگر ابلیس می گوید: راهزنی و محاصره‌ی کامل. یک نوع از حمله‌های او این است که راهزنی و محاصره‌ی کامل می کند. خود ملعونش می گوید: "لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ" ^۱ خدایا چنان بر سر صراط مستقیم می نشینم، (صراط مستقیم یعنی همان مسیر رسیدن به خدا). لَأَقْعُدَنَّ سَه قَسَمَ دَارِد، لامش تأکید، الفاش تأکید، نون مشددش تأکید، شیطان سه تا قسم حضرت عباس می خورد که می نشینم سر این صراط مستقیم، (یعنی من صراط مستقیم شناس هستم) تا یک نفر هم از این جا رد نشود. و می گوید از چهار جهت هم به او حمله می کنم، محاصره‌ی کامل. قرآن هر چهار جهت را می گوید. اول از جلو به او حمله می کنم، یک مقداری شاید تقدم، تأخرش را اشتباه بگویم. آیه اش هست. از جلو، از پشت سر، از دست راست و از دست چپ، محاصره‌ی کامل است. خیلی نکته‌ی مهمی است. از جلو حمله می کنم یعنی آینده را برایش می زنم، آینده‌ی حقیقی را می زنم، القاء اُمْنِیَّه می کنم. آینده‌ی باطلی برایش درست می کنم به بی راهه برود. یک عمری بگذرد، بعد از ۵۰ سال بفهمد عمرش به بطالت گذشته است، اصلاً اشتباه کرده بود و فرصت بازگشت هم ندارد، آی این ملعون قهقهه‌ی سرمستانه می زند. چه کسی آن دنیا را دیده است؟ دیدید آینده را چه طور می زند؟ بعد می آید پشت سر را می زند، مبدأ را می زند. خلقت کجا بوده است؟ این حرف‌ها چیست؟ مبدأ و معاد و پشت سر و جلو را می زند.

قرآن خیلی زیبا می گوید. الله اکبر! نمی گوید از سمت راست حمله می کند، می گوید از سمت راستی‌ها حمله می کند، نمی گوید: یَمِین می گوید اَیْمَان، نمی گوید: شَمَال، می گوید شَمَائِل از سمت چپی‌ها حمله می کند، سمت راستی‌ها را مفسرین می گویند اعمال دست راستی است، سمت چپی‌ها هم اعمال دست چپی است. اول دست چپی یعنی اعمال بد را بگویم. از سمت چپی حمله کردن که واضح است. یعنی به گناه می اندازمش، برو عرق بخور، برو زنا کن، برو دروغ بگو، حق مردم را بخور و نماز نخوان و این دست مسائل.

سمت راستی‌هاست درد دارد، می دانی چه کار می کند؟ یک صدقه داده است، که چه قدر این صدقه دادن خوب است، عمر را زیاد می کند، صدقه هم می دهید برای سلامتی امام زمان بدهید، برای من و شما اگر اتفاقی بیفتد، به هیچ جای دنیا بر نمی خورد، به درک هم واصل بشیم هیچی نمی شود. زیارت می روی برای خودت نمی خواهد زیارت کنی. حالا وقت کردی یک دور دیگر خواستید زیارت کنید، برای خودت هم زیارت کن. اولین زیارت برای کیست؟ امام زمان، به نفعتان هم هست، چون آن فرشته‌هایی که این زیارات را می گیرند و بالا می برند، جرأت نمی کنند زیارتی را که به نیابت از امام زمان شده را بالا نبرند، ۲. این اهل بیت بدهکار کسی نمی ماندند. آقا هم یک جایی برای شما زیارت می رود. باز ببینم کسی جرأت می کند به آن زیارت چپ نگاه کند. کارهایت را در صراط مستقیم بنداز، با آن معجزه‌ی نیت، امام زمانی‌اش کن. از سمت راستی‌ها که به تو حمله می کند، یک صدقه می دهی، "وَلَا تُبْطَلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى" ^۴ با یک منت گذاشتن خرابش می کنی، یک مقداری طرف اذیت می کنی، می گویی بدبخت، یادت رفته است، بشکنند این دست که نمک نداشت، من نبودم به بیچارگی افتاده بودی، در خانه مردم آواره بودی می چرخیدی برای یک قرون پول، پدرت پول نداد، بیچاره، من به تو دادم،

۱ «قَالَ فِيمَا أُغْوِيَنِي لِأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ» / أعراف ۱۶.

۲ اشاره به سوره أعراف، آیه ۱۷.

۳ «مَنْ لَا يَنْتَهِي عَنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمَنْ خَلْفَهُمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ» / أعراف ۱۷.

۴ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطَلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» / بقره ۲۶۴.

تمام شد. چنان زیر کاسه کوزه‌ات لگد زد که حالا حالاها باید بدوئی بتوانی درستش کنی. نه تنها آن را صاف کردی هیچی، تازه یک دل هم شکستی.

می‌گوید از چهار جهت می‌زنم، محاصره‌ی من محاصره‌ی کامل است. اول معاد را می‌زنم برود. کجاست؟ چه کسی از آن دنیا زنده برگشته‌است؟ بعد مبدأ را می‌زنم، ما میمون بودیم و نمی‌دانم از این حرف‌هایی که می‌زنند. می‌گوید میمون و گوریل بوده‌است. بعد می‌گوید از دست راستی‌ها، دست چپ‌ها می‌زنم. دست چپ‌ها که گفتیم اعمال گناه است. می‌گوید این محاصره‌ی کامل است. من و شما با مبدأ و معاد کاری نداریم، ان‌شاءالله که درست است با شمائل هم ان‌شاءالله نمی‌تواند سراغمان بیاید. اما این سمت راستی‌ها می‌ماند. طرف را غرور می‌گیرد، خراب می‌کند. یک غرور خراب می‌کند. این‌جا هم اخلاص راهکار است. هرچیزی که دیدی نفست می‌خواهد، بگو گور بابای توی نفس. به همین صراحتی که من گفتم. بگو برو پی کارت، برای تو من کار نمی‌کنم، من به تو باج بده نیستم.

دقیقه ۲۵ تا ۳۰- وعده‌های فریبنده و خیالی، می‌گوید "وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا" وعده داده‌است. القاء اُمْنِيَه کردن یک بحث است، اما این وعده دادن یک بحث دیگری است. وعده‌های خیلی اساسی نیست که مثلاً درس بخوان و برو خارج، کل عمرش به این می‌گذرد. نه، وعده‌های روزانه به تو می‌دهد، هفته‌ای می‌دهد، اُمْنِيَه نیست، پایین تر است. وعده بهت می‌دهد. قشنگ به تو ایده می‌دهد، حالا امر می‌کند یک بحث دیگری است. وعده هم به تو می‌دهد، می‌گوید اگر این‌طوری کنی، این‌طوری می‌شود. مثلاً می‌گوید این گناه را بکن، اما تو نمی‌خواهی این گناه را انجام بدهی، یک وعده‌ای باید به تو بدهد که سمت آن گناه بروی. مثلاً می‌گوید ببین اگر این پول را برداری، بعداً برمی‌گردانی، عیبی ندارد. یک وعده‌ای برای آینده می‌دهد، این مشکل حل می‌شود و بعداً این‌طوری می‌شود و برمی‌گردانی، بعد آن هم کلاً ماست‌مال می‌شود. وعده‌های روزانه، ثانیه‌ای، دقیقه‌ای، ساعتی می‌دهد، بازی نخورید. طرف می‌گفت می‌خواستم بروم خواستگاری. می‌گفت خب من اصلاً به نامحرم نگاه نمی‌کردم. بعد چندجا خواستگاری هم رفته بودم و روی قیافه‌های این‌ها ارور/ error شده بودم. چند تا مورد بود معرفی شده بودند و گیر کردم. می‌گفت در خیابان دختر می‌دیدم، یک چیزی در وجودم می‌گفت خب این را نگاه کن ببین، آن دختر از این هم قشنگ تر بود. می‌گوید با خودم می‌گفتم نه من به نیت هیزی که نگاه نمی‌کنم می‌خواهم ازدواج کنم، می‌خواهم ببینم آن بهتر است، مثلاً قیافه‌اش از نُرْم عادی جامعه بالاتر است. ببین شیطان چه کرده، این‌ها مدل‌های این پدرسوخته‌است. می‌گوید "الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ"^۲ می‌خواهی صدقه بدهی سریع یک وعده‌ی فقر به تو می‌دهد. می‌گوید: تو الآن ۵۰ هزار تومان پول داری، می‌خواهی ۵۰ هزار تومان هم کمک کنی مثلاً برای ساخت این حسینیه، خب پس می‌خواهی چه کار کنی؟ این فلان چیزی را که می‌خواستی بخری چه می‌شود؟ وعده‌ی چه چیزی به تو داد؟ خدا می‌گوید بازی نخورید، آن دنیا می‌دانید چرا حقمان است که جهنم برویم؟ آن‌هایی که می‌روند جهنم حقشان است، یک جا من در قرآن ندیدم، (شاید هم هست من ندیدم) که جهنمی نیست که بگوید در حق من دارد ظلم می‌شود. خیلی باحال در آیه، جهنمی‌ها اعتراف می‌کنند، می‌گویند خدایا، بله ما خودمان کردیم^۳. برای این که نمی‌توانند کتمان کنند. این‌طوری می‌آید و وعده‌ی فقر می‌دهد. خدا می‌گوید: آن دنیا اگر می‌گویم جهنم می‌برم، حقمان است چون خدا گفته بود این بلا سرت می‌آید. شما سال اولت است که برای اربعین می‌خواهی کربلا بروی، یکی نمی‌تواند بیاید، یا اگر می‌آید از گروه شما جداست، به شما می‌گوید ببین، زیاد آب نخوری، روزها بخواب، خنکی هوا حرکت کن بهتر است. ۴، ۵ مورد به تو یاد می‌دهد، لم کار را یاد می‌دهد. بعد تو به رفیق‌هایت می‌گویی ببین یک نفر پارسال رفته‌است

۱ «يَعِدُهُمْ وَيُمَيِّتُهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» / نساء ۱۲۰؛ و «وَاسْتَفْزِرُ مِنْ اسْتَطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجْلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدْتِهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» / اِسْرَاء ۶۴.

۲ «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» / بقره ۲۶۸.

۳ اشاره به آیه ۱۰۶، سوره مؤمنون: «قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ».

می گوید کفش فلان بخر، این طوری بهتر می روی، غذا این طوری بخور، دستشویی هایش این طوری است، حمام این طوری است، از این پیشنهادهایی که در اثر تجربه است. بعد شما هم رعایت می کنید. اما در این سفر **إِلَى اللَّهِ** ما روش هایی که خدا به ما یاد داده است را رعایت نمی کنیم. می گوید ببین در مسیر به یک جایی می رسی، این طوری است، این جا حتماً با خودتان آذوقه بردارید، تا جای بعدی فاصله زیاد است. طرف می گوید این جا همان جاست، غذا بیشتر بردارید. خدا می گوید هر موقع این طوری به تو حمله کرد بازی نخورید. اگر وعده ی فقر به تو داد، خدا شما را از فضلش غنی می کند. من وعده ی گشایش می دهم. بازی نخورید. همین که می خواهی یک کار خیری انجام دهی، شیطان می گوید: نه هیچی برای خودت نمی ماند، هیچی. البته این باید منطقی و معقول باشد یعنی درست و حسابی باشد، یک طوری نباشد کل زندگی اش را طرف بدهد. زن و بچه اش دارند گریه می کنند. نه، باید زندگی و معیشتش درست باشد. امام رضا فرمود: تقدیر معیشت باید در سرلوحه ی کارهایتان باشد. آدم می شناسم مثلاً ماهی یک میلیارد درآمد دارد، یک قران خرج کسی نمی کند! تمام شد. یک متر و نیم، دو متر هم بیشتر نمی برد، چنان بدبخت خرما شده است. این قدر دلم به حال او می سوزد. به او گفتیم: درب حرم حضرت عباس را می خواهند درست کنند، یک پولی بده. گفت: ندارم.

تزیین و آراستن امور، **"زَيْنَ هُمْ الشَّيْطَانُ أَعْمَاهُمْ"**^۲ این را در قرآن زیاد داریم، (نمل / ۲۴، انعام / ۴۳، انفال / ۴۸) شیطان بعضی از کارها را بیخود خوشگل می کند، بیخود زیبا می کند. صورتی که اون طوری که می گوید، نیست. آن "که چی" را که از خودت می پرسی، می روی انتهای ماجرا، یک مرتبه می بینی یک چیزی را برای تو امنیه می کند و آن را تزیین می کند، دون می پاشد، زرق و برق به آن می دهد، **"زُخْرَفَ الْقَوْلِ"** مزخرف یعنی یک چیزی که آب طلا دارد، مایه ندارد، درون مایه ندارد.

دقیقه ۳۰ تا ۳۵ - حرفی که قشنگ گفته شده است، اما حرف قشنگی نیست، حرف خوبی نیست، جنسش بد است، نمای آن خوب است. یک کاری را تزیین می کند که اصلاً باطل باطل است. یک آقا پسری پیش ما آمد، (این هایی که مثال می زنم برای این که بدانید هست). یک دختر خانمی را می خواست تا با او ازدواج کند، که اصلاً این بنده خدا شهره ی آفاق بود، یعنی همه داخل آن شهر او را می شناختند. می گفتم چرا؟ شیطان برای او این کار را تزیین داده بود. یک جوری صحبت می کرد در مورد این آدم، کأنه روی کره ی زمین دیگر آدمی مثل او نیست. من می گفتم واقعاً شاید دارد در مورد یک شخص دیگری صحبت می کند. این دختر خانم حداقل ۱۵ بار سابقه ی خودکشی داشت! زندان رفته بود! من یک سری چیزها را نمی توانم باز کنم. در شأن جلسه نیست، دچار فحشای مشهور بود. این پسر از یک خانواده ی خوب بود. شیطان برای او تزیین کرده بود. یک حرف هایی می زد، اصلاً شما باید می شنیدید. مبادا برای شما تزیین کند. طرف عاشق می شود، همه چیز را تزیین شده می بیند، اخلاق پسر بسیار بد است، بعد دختر می گوید چه اهتبی دارد! آدم های بد دل خیلی بد هستند، غیرت یک چیز دیگر است. (کافر همه را به کیش خود پندارد) چون خودش این کاره است فکر می کند همه هم این طوری اند. بددل است، می گوید عجب غیرتی دارد، بعد ازدواج می کند، تزیین از بین می رود. شیطان تزیین می کند، خیلی از این

۱ امام رضا علیه السلام فرمودند: «لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ خِصَالٌ ثَلَاثٌ: الثَّقُفَةُ فِي الدِّينِ، وَ حُسْنُ تَقْدِيرِ الْمَعِيشَةِ، وَ الصَّبْرُ عَلَى الرَّأْيَا؛ هیچ بنده ای به مرتبه ی حقیقت ایمان نمی رسد، مگر این که این سه خصلت در او باشد: دین شناسی، تدبیر و برنامه ریزی نیکو در زندگی، و شکیبایی بر سختیها و ناملایمات.» / تحت العقول، ص ۴۴۶.

۲ انفال / ۴۸ / نحل / ۶۳ / عنکبوت / ۳۸ / نمل / ۲۴.

۳ «وَجَدْتَهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ هُمْ الشَّيْطَانُ أَعْمَاهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ» / نمل / ۲۴.

۴ «فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» / انعام / ۴۳.

۵ «وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَاهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفُتَاتِ نَكَمَ عَلَى عَقْبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ» / انفال / ۴۸.

۶ «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَهُمْ وَمَا يَفْعَلُونَ» / انعام / ۱۱۲.

دخترها خودشان را تزئین می‌کنند، این پسر عاشق می‌شود، می‌روند سر خانه زندگی خودشان، دو بار از خواب بیدار می‌شود، چشم‌ها پف کرده‌است، می‌بیند آن نیست. می‌رود حمام برمی‌گردد، می‌بیند یکی دیگر بیرون آمد، تزئین شده‌است.

یک چیزی این گوشی‌ها دارد، یکی هست این‌طوری انگشت می‌کشید. بعد بعضی‌ها پیش هست عدد می‌گذاری، بعضی‌ها پیش هم هست فیس/face را تشخیص می‌دهد، می‌گویند یک دختری، پسوردش را face گذاشت، رفت دست و صورتش را شست، برگشت گوشی‌اش باز نمی‌شد. بنده خدا با خودش چه کرده بود. شیطان تزئین می‌کند. هر چیزی که دیدی زیاد زرق و برق می‌زند، سریع استاپ/stop کن، بایست، بگو باید این بررسی شود، بوی شیطان می‌آید. هر چیزی که دیدی زرق و برق دارد. اصلاً حضرت‌امیر فرمود: مواظب همین زرق و برق‌های دنیا باشید^۱. مبادا از شما دلبری کند، حواسمان باشد. یکی دیگر از روش‌های شیطان لعین، تزئین است.

یکی دیگر از کارهایش تسویله است که در ماجرای اُمّیه تقریباً گفتیم. تسویل یعنی سُؤْل (آن بالا بالایی) را انجام می‌دهد، که ما زیاد داریم. "الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ"^۲ در قرآن آیه داریم، تسویل یعنی آن آرزوی اصلی زندگی را یک چیز باطلی می‌گذارد، مثل آدمی که کلاً دارد برای دنیا زندگی می‌کند. بلایی که سر یهودی‌ها آورده‌است. بسیاری از مردم دنیا تسویل شدن، نه القاء اُمّیه، بالاتر از آن است. ما اُمّیه‌ها را برای سُؤْل می‌خواهیم، در حالی که تسویل شدند. اصلاً یک جاهایی تسویل، خواست نفس است، نفس‌گریزی یک چیز را دوست دارد، شهوت می‌کشد، آدم را تسویل می‌کند. وقتی حضرت موسی به سامری رسید، گفت: "قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ"^۳ گفت: "بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي"^۴ نفس من سُؤْل را تغییر داد. صحبت شیطان نیست. یعنی شیطان از طریق نفس وارد می‌شود. "سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي" خیلی جالب است، گفت تسویل من این بود. می‌دانید سُؤْل سامری چی بود؟ سُؤْلش این بود که جای حضرت موسی بشیند. هدف اصلی زندگی کردنش این بود. برای این کار گوساله باید می‌ساخت، هارون را باید خانه‌نشین می‌کرد، متوجه شدی؟ بین شیطان چه کار کرده‌است. گفت: چرا بعد از پیامبر، تو نباشی؟ بعد از موسی؟ تو می‌توانی، سُؤْلش را تغییر داد. بازی نخورید عزیزم.

یکی دیگر استزلال است که خیلی سراغمان می‌آید. "إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ"^۵ شیطان شما را متزلزل می‌کند. تصمیم‌های خوبی که می‌گیرید، می‌گوید نه نمی‌توانیم، نه اصلاً از عهده‌ی آن بر نمی‌آییم. گاهی اوقات یک وعده‌ی فریبنده‌ای هست، گولت می‌زند که می‌توانی جلو بروی. اما یک جا هم کار درست می‌خواهی انجام بدهی، می‌گوید نه تو نمی‌توانی. می‌خواهی یک گناه را ترک کنی، یک گناهی که به آن عادت داشتی،

دقیقه ۳۵ تا ۴۰ - با خودت می‌گویی می‌زنمش زمین. بارک‌الله برو جلو، با همین نیت جلو برو، اگر زمین خوردی، دوباره بلند شو، نترس. امیرالمؤمنین می‌گوید: از هر چه ترسیدی برو به سمتش، نترس^۶. می‌گوید نه تو نمی‌توانی، نه ما نمی‌توانیم. ما نمی‌توانیم شعار

۱ اشاره به نامه ۴۷ نهج البلاغه: «أوصيكم بتقوى الله، و أن لا تبغوا الدنيا و إن بعثكم على شيء منها روي عنكم؛ شما را به تقوای الهی سفارش می‌نمایم، و اینکه دنیا را مجوید گرچه دنیا شما را بجوید و بر آنچه از دنیا از دستتان رفته متأسف نباشید».

۲ «إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ» / محمد ۲۵.

۳ طه ۹۵.

۴ «قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي» / طه ۹۶.

۵ «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ» / آل عمران ۱۵۵.

۶ «إِذَا هَبَّتْ أَمْرًا فَفَعَلْ فِيهِ، فَإِنَّ شِدَّةَ تَوَقُّفِهِ أَكْبَرُ مَا تَخَافُ مِنْهُ؛ به وقتی که از چیزی می‌ترسی خود را در آن انداز، زیرا شدت حذر کردن، از آنچه از آن می‌ترسی بزرگتر است.» / حکمت ۱۷۵، نهج البلاغه.

شیطان است. اصلاً ما می‌توانیم شعار خداست، هیچ بن‌بستی برای مؤمن وجود ندارد. "گم من فِتَّةً قَلِيلَةً غَلَبَتْ فِتْنَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ" ۱ پیامبر باید می‌گفت: ما ۳۱۳ نفر ۲ جلوی این قریشی‌ها ۳، (کسانی که از مگه حمله کردن) چه‌طور می‌توانیم بجنگیم؟ تا دندان مسلح هستند، ۲، ۳ تا اسب داریم و چند تا شتر، بقیه پیاده، فقط چوب و شمشیر شکسته داریم، خب معلوم است ما را قتل‌عام می‌کنند، نمی‌توانیم ۴. خدا گفت: برید، "وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ" ۵ می‌توانی، برو، بقیه‌اش با من، بقیه‌اش با خداست. شیطان سنگ‌اندازی می‌کند. من پس‌پریروز یک جلسه‌ی خیلی مهم کاری داشتم، واقعاً این ملعون روی مخ آن شخص رفته بود، برایش کارهای بیخود تراشیده بود، کار بسیار مهمی که اگر انجام می‌شد خیلی اثرگذار بود، این وقت برایش نمی‌گذاشت. بالأخره من این شخص را با یک اس‌ام‌اس/SMS گیر آوردم و جلسه را گذاشتم. در پیام نوشتیم: خدا از تمام خریدهای کره‌ی زمین دو تایش را نصیب ما نکرد، یکی خرپولی، آن یکی هم خرشانشی، یعنی نه پول داریم نه شانس، تو خجالت نمی‌کشی من یک ماه است دارم به تو اس‌ام‌اس/SMS می‌دهم، تو جواب من را نمی‌دهی؟ خجالت کشید. گفت از ساعت ۶:۳۰ تا افطار بیا باغ‌موزه‌ی دفاع‌مقدس. گفتم باشد. من گوشی‌ام را نگاه کردم، دیدم شارژش کم است. اول گفتم نه شارژ را بر نمی‌دارم، بعد گفتم: نه، این لعین یک برنامه‌ای دارد، برمی‌دارم، شارژ را برداشتم و گفتم با موتور هم بروم که برسم. حالا خودم هم افطاری مهمان دارم، باید برگردم. گفتم سریع می‌روم یک نیم ساعت صحبت می‌کنم برمی‌گردم. آقا در راه، دنده پدال موتور (روی دنده ۲) درآمد، خدا شاهد است. گفتم من کوتاه نمی‌آیم، آن‌جا که رسیدم، گوشی را برداشتم دیدم شارژش تمام شده‌است. حدسم درست بود. آن‌جا یک دکه‌ای بود، رفتم گفتم آقا این تلفن را دو دقیقه بزن تا روشن شود، وگرنه پرتقال فروش را پیدا کن، آن وسط در باغ‌موزه‌ی دفاع‌مقدس، نمایشگاه قرآن زدند، طرف را بگرد پیدا کن. گفت باشد برایت می‌زنم منتها من پریز ندارم، پُر است یخچالش را زده بود. این رفیقی که با موتور او رفتیم، در کیفش یک سه‌راهی داشت، روی میز طرف گذاشت. گفتم تو این را از کجا آوردی؟ فکر این را نکرده بودیم. گفت عجیب است، اتفاقی داخل کیفم بود، می‌خواستم ببرم جایی استفاده کنم. آن طرف هم در به در دنبال سه‌راهی می‌گشت، برای مغازه‌اش می‌خواستند دوربین بگذارند، برق نمی‌توانست بگیرد. انگار خدا ما را رساند که این سه‌راهی را به او بدهیم. گفت آقا این را به ما بفروش، سه‌راهی را زد و کار ما هم حل شد و ما هم این را به او دادیم. نکته‌اش این است که شیطان سنگ‌اندازی خودش را می‌کند، اما خدا کار را درست می‌کند. متزلزل نشوید، نگویید نمی‌توانیم، ولش کن دیگر افطار است، حالا یک ماه دیگر با او جلسه می‌گذارم. برگرد، برو، خدا درست می‌کند. بهترین دنده‌ای که اگر بخواهی دنده موتور را عوض کنی کدام دنده‌است؟ ۲. روی همان ۲ افتاد. من پیش‌بینی کرده بودم شارژ ببرم، اما دیگر سه‌راهی داخل کیف آن بنده خدا که کار خداست. این کمک الهی است، به این رفیقم گفتم این کمک خداست، یعنی شما متزلزل نشوید، جلو بروید. ما اگر در جنگ می‌خواستیم متزلزل شویم تمام بود، با کل دنیا می‌جنگیدیم، می‌گفت عیبی ندارد. خدا گفته‌است می‌شود. امام با همان لهجه‌ی خودش می‌گفت: می‌شد ما می‌توانیم، می‌شد. امام می‌شود را می‌گفت می‌شد و شد، جلوی کل دنیا ایستادیم. در سوریه، این‌ها می‌گفتند نه نمی‌شود آقا کل دنیاست، امریکایی‌ها می‌گفتند: ماجرای سوریه یک هفته نهایتاً دو هفته تمام است. چی شد؟ ما جمعش کردیم، همان‌طوری که ما می‌گفتیم. یک هفته دو هفته ۳، ۴ سال شده‌است. بشّار اسد ۶ هم با هشتاد و خرده‌ای درصد رأی آورد. به این فکر کنید، متزلزل نشوید، شیطان شما را می‌ترساند، تخفیف می‌کند، خوف در دلتان می‌اندازد، استخواف می‌گویند.

۱ «فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَافُوا اللَّهَ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» بقره ۲۴۹.

۲ تعداد یاران حضرت محمد (ص) در جنگ بدر است که نخستین شکست بزرگ را بر کفار و دشمنان اسلام وارد آوردند.

۳ قریش، از مشهورترین و مهم‌ترین قبایل عرب در حجاز که پیامبر اسلام(ص) نیز از آن قبیله بوده است.

۴ اشاره به غزوه بدر.

۵ «فَلَمَّا تَقَاتَلَهُمْ وَلِكِنَّ اللَّهُ فَتَلَّهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيْلِي الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» انفال ۱۷.

۶ بشّار اسد (زاده ۱۹۶۵م)، از رؤسای جمهور کشور سوریه (رئیس جمهور فعلی) و فرزند حافظ اسد است.

یکی دیگر از کارهایی که شیطان می‌کند تسویف است، از سَوَف می‌آید، سَوَف در عربی یعنی آینده، از شیطان این‌طوری کتک تا حالا خوردی؟ نوش جانت. دیدی می‌خواهی یک کاری را شروع کنی، می‌گویی من دیگر از شنبه شروع می‌کنم درس را می‌خوانم.

دقیقه ۴۰ تا ۴۵- می‌خواهد برود یک زبان یاد بگیرد، بتواند یک توریست دید یا در اینترنت، تشیع و اسلام و امام‌زمانش را پرزنت/ present کند، می‌گوید نه دیگر این‌طور نمی‌شود، حالا تابستان من شروع می‌کنم زبان یاد گرفتن. من در سخنرانی مدیریت زمان گفتم، آن‌هایی که گوش نکردند حتماً گوش کنند. خیلی‌ها با من تماس گرفتند گفتند ما زندگی‌مان عوض شد این سخنرانی را گوش کردیم. در آن‌جا گفتم اگر طرف کودن هم باشد، از ۵ سال پیش روزی یک کلمه انگلیسی را می‌تواند حفظ کند، یعنی در حد کودکان استثنایی باشد، می‌تواند حفظ کند. حالا هر دو روز، یک کلمه. ۵ سال، ۵ تا ۳۶۵، ببین چند تا کلمه تا الآن حفظ بودی، الآن مثل بلبل انگلیسی حرف می‌زدی. ۵ سال دیگر هم همین حرف را می‌زنیم. سَوَف نه، بگو از همین الآن شروع می‌کنم. کلنگ‌زنی را انجام می‌دهم. از مسئولینمان یاد بگیرید، دیدید؟ اصلاً تسویف ندارند. کلنگ را می‌زنند، حالا کی می‌خواهد انجام شود. بیمارستان زدن فقط دو بخشش راه افتاده است، بخش زایمان و تزیقات. گربه‌ها و سگ‌ها می‌روند زایمان می‌کنند، معتادها هم تزیق می‌کنند. برای تسویف بازی نخورید. ببین این حس و حمله، آژیر خطر است، در جنگ یاد داده بودند که اگر بوی خربزه، بوی هندوانه، بوی سیر و ... می‌آید فرار کن، شیمیایی است. بوی میوه‌ها و این جور چیزها می‌آید، خوشحال نشوید، فرار کنید. ماسکتان را سریع بزنید. من هم دارم همین بوها را می‌شناسم. اگر ترسیدی بگو گور پدر توی شیطان. و برای این‌که بی‌مه‌با به کار زنی، استشاره کن. مشورت خیلی مهم است، بعد برو راحت کارت را انجام بده. شروع کن. با توکل به خدا و توسل به امام‌زمان باشد. اصلاً آن قسمت‌هایش هم که داری خراب‌کاری می‌کنی، خدا بر می‌گرداند. این سنت امداد است و برای مؤمنین است. که وقتی کاری را شروع می‌کنند یک جاهایی هم که در نظر نگرفته بودند، با منه الله. ضمانتش با من، به خدا اعتماد داری؟ خدا دروغ‌گو نیست **نَعُوذُ بِاللَّهِ**. هر موقع قرآن می‌خوانیم آخرش می‌گوییم **صدق الله!** خدا راست گفت.

مورد دیگر که خیلی سراغمان می‌آید، آی درد دارد، ایجاد نسیان و غفلت است. کار شیطان پدر سوخته است. **فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ**، یادت می‌رود، واقعاً می‌خواهی انجام بدهی، یادت می‌رود. پیغمبرش (حضرت یوشع^ع) را در قرآن گیر انداخت، آیه‌اش را داریم. شیطان ایجاد نسیان می‌کند. حضرت یوشع بن‌نون با حضرت موسی داشتند سراغ خضر^ع می‌رفتند. حضرت موسی گفت یادم بینداز، (این یکی از راه‌هایش هست)، اگر یک اتفاق عجیبی دیدی به‌من بگو، بدون آن‌جا ما به خضر رسیدیم. حضرت موسی کار درست را کرده بود. اگر می‌بینی یادت می‌رود یکی را بگذار یادت بیندازد. این هم دید حضرت موسی یک استراحتی خواست بکند، حضرت یوشع دید ماهی دودی پخته شده وقتی در آب افتاد زنده شد و رفت. (دیگر از این واضح‌تر؟) گفت حالا گناه دارد، حضرت موسی را هم دوست داشت، وصی حضرت موسی است. با خود گفت وقتی بیدار شد به او می‌گویم. بیدار شد یادش رفت بگوید. بعد از این‌که کلی راه رفتند و وقتشان تلف شد، حضرت موسی گرسنه‌اش شد. گفت: آن ماهی را بیاور تا بخوریم. حضرت یوشع گفت: راستی آن ماهی افتاد در آب رفت. گفت: من که به تو گفتم یادم بیندازی، حضرت یوشع گفت: یادم رفت، شیطان از یادم برد^۵. خیلی عبارت عجیبی است. شیطان از یادم برد^۶.

۱ «صدق الله العلی العظیم؛ راست گفت خداوند بلندمرتبه بزرگ» عبارتی که بعد از قرائت آیات قرآن گفته می‌شود.

۲ «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ»/ مجادله ۱۹.

۳ حضرت یوشع بن نون (ع)، از پیامبران بنی اسرائیل و جانشین حضرت موسی (ع) بود. عبور بنی اسرائیل از رود اردن تحت فرماندهی وی انجام گردید.

۴ حضرت خضر، یکی از اولیای الهی که برخی او را پیامبر نیز دانسته‌اند. طبق روایات، حضرت خضر مثل حضرت عیسی (ع) زنده است.

۵. ر.ک: کهف ۶۰ تا ۶۵.

۶ «قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوْتِنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحَوْتَ وَ مَا أَنَسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَ اتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا»/ کهف ۶۳.

شیطان از یادت می برد. چه کار کنیم؟ به جای این که یک نفر را بگذاریم یادآوری کند، می توانیم چه کار کنیم؟ موبایلمان را بگذاریم. راهکار این که شیطان را زمین بزنی، نوشتن کارهایتان است. من به بچه های دفترمان گفتم که قلم و کاغذ داشته باشید، دفترچه یادداشت داشته باشید، حالا الکترونیکی اش را حداقل داشته باشید که یک چیزی یادت آمد سریع یادداشت کنید. این مداح ها دارند می روند یک مرتبه یک سبکی به ذهنشان می رسد، همان جا گوشی اش را برمی دارد می خواند. یک بنده ی خدایی هم بود در گوشی اش ۲۵۰ تا سبک داشت. آمریکایی ها لب مرز از او گرفتند، کلاً سبک هایش پرید رفت. آره حاج محمد^۱ خودمان بود. پس باید ثبت کنید، بنویسید. دو بار بنویس،

دقیقه ۴۵ تا ۵۰- سه بار بنویس. قرآن می گوید بنویسید، بنویسید خراب می شود، از دستت می رود^۲. این روش حمله ی شیطان است. همان لحظه ای که می گوید خب حالا می نویسم، همان لحظه به خدا قسم داری گول می خوری، همان لحظه گلوله ی شیطان را خوردی، منتها گلوله اش درد ندارد نمی فهمی. بعضی از این بچه ها هستند بهشان می گویم خب این کار را انجام بدهید، بعد می گویم چرا نوشتی؟ می گوید خب یادم می ماند. می گویم تو داری ادعا می کنی که از حضرت یوشع بن نون بالاتری؟ او یادش رفت تو یادت نمی رود؟ برعکس هم دقیقاً چه می شود؟ توی کاسه اش می گذارد. قول دادی به یک نفر یادت می رود، این کار را انجام می دهی یادت می رود، نذر داری یادت می رود، بدهی داری یادت می رود. پدر و پسر دیدم که سر یک بدهی با همدیگر دست به یقه شدند چون ننوشته بودند. روزی که من به این ها گفتم بنویسید، ناراحت شدند. پدرش می گفت: تو لابد با پدرت از این حرف ها داری، ما با پسرمان نداریم. وقتی یقه ی هم را گرفته بودند، گفتم یادت است ننوشتید. یک گوشه ای یادداشت کن. می دانی از بین می رود دو جا بنویس. دفترچه یادداشت، قلم کاغذ همیشه همراهتان باشد. یا توی این گوشی هایتان بنویسید. از خیلی چیزهایی که دارید بک آپ/ back up داشته باشید. الان هم متأسفانه این اصطلاحات کامپیوتری باب شده بین ما، ما را هم گرفته است. ما هم مبتلا به هستیم. بعضی از این ها را آدم نمی تواند معادل فارسی برایش پیدا کند. الان برای تبلت چه واژه ای به کار ببریم؟ مثلاً رایانک قابل حمل دست مالیدنی. آقای فرهنگستان هم اسم می گذارد، کروات را دراز آویز زینتی گذاشته است. نمی دانم روی چه حسابی، چه کسی می خواهد این را استفاده کند، پس یادت نرود عزیزم، بنویس در همان دست مالیدنی. یادداشت کن، بک آپ/ back up بردار. یک روز یک عزیز می مضافی ها را افطاری دعوت کرده بودند. وقتی برای نماز ایستادیم، (بین چه نمازی خواندند که ما پیش نمازشان بودیم) اگر بلایی سر پیش نماز بیاید آن کسی که عقب تر می ایستد، او باید جای پیش نماز بیاید، نماز را ادامه بدهد، بچه ها یک مَهْری آن وسط بغل ما خالی گذاشته بودند، می گفتند این برای امام جماعت بک آپ است. اسم ها را نگاه کن، امام جماعت بک آپ دیگر ما نشنیده بودیم.

مورد بعدی امر کردن است، این ها مال کسانی است که دیگر از دست رفته اند. کار به جایی می رسد که شیطان به آن ها وعده نمی دهد. یک زمان هست می گوید می خواهی بروی؟ یک زمان می گوید برو. برو مال عبد است. الان روشش را به شما یاد می دهم. شما به رفیقت بگو سه شنبه بیرون برویم؟ می گوید نه. یک کاری کن فکر کند اختیار دارد، بگو سه شنبه صبح می آیی بیرون برویم یا بعد از ظهر؟ می گوید حالا بعد از ظهر برویم بهتر است. فهمیدی چه شد؟ شیطان اول این طوری می آید، بعد می گوید سه شنبه بیرون برویم، بعد می گوید سه شنبه باید بیرون برویم. اصلاً نمی توانی نه بگویی، انگار سربازش هستی. **إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ**^۳، می گوید این به این مرحله می رسد. یک جاهایی هست خودت میزان آسیب پذیری را تشخیص می دهی، می گویی ۵۰٪ قوای نظامی از بین رفته است. از کجا می فهمی؟ از آن جایی که، می بینی دیگر شیطان وعده نمی دهد، تزئین نمی کند. می گوید برو انجام بده. و توی انسان کله را می اندازی و صاف می روی، خیلی خطرناک است.

۱ حاج محمدرضا طاهری فرزند حاج محمدتقی طاهری از مداحان معروف تهران (پایتخت ایران) است.

۲ اشاره به آیه ۲۸۲، سوره بقره.

۳ «إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» / بقره ۱۶۹.

مورد دیگر استغزاز و اجلاب است که در آیه ۱۶۹ بقره، در این مورد صحبت شده است. استغزاز یعنی بلند کردن و به سرعت به کاری واداشتن. این خیلی پررو شد. می‌گوید بلند شو برو، یا بلند شو آن کار را انجام بده. مثلاً یک زمان یک ۲۰ ثانیه می‌ایستی بعد می‌روی آب می‌آوری، اما یک زمان با لگد زدن می‌گوید بلند شو فلان فلان شده برو آب را بردار بیاور ببینم. شیطان مدام پرروتر می‌شود. یعنی قشنگ می‌فهمی ۷۰٪ قوای نظامی‌ات از بین رفته‌است.

اجلاب هم از راندن و صیحه‌زدن با قهر آمده‌است. از جلب می‌آید. یک‌جا، شما می‌بینید برای چیزی که خوب بتوانید جابه‌جایش کنید، یکی هل می‌دهد آن یکی می‌کشد. یکی از روش‌های شیطان است. یعنی بین از یک‌طرف با وعده‌های کِشنده و مکنده می‌کشد و می‌گوید بیا این‌جا. از آن طرف سمت خیر را می‌بندد هل می‌دهد. وقتی می‌خواهی یک کار بدی کنی، در ذهن یک فردی می‌رود، همان موقع او به تو زنگ می‌زند، تحریکت هم می‌کند. می‌بینی اصلاً شرایط دارد جور می‌شد برای این که آن گناه صورت بگیرد. خود گناه کشش دارد، یک نفر هم می‌آید فُرس/force می‌شود، مدام وسوسه‌ات می‌کند، مدام زور می‌زند و می‌گوید برو جلو، برو جلو. بازی نخوری.

مورد بعدی همز، خیلی مبتلابه هستیم. همز، دیگر از این‌جا به بعدش بی‌ادبی می‌شود.

دقیقه ۵۰ تا ۵۵- خدا یک مقداری فاز را عوض می‌کند. از این‌جا به بعد برای آدم نیست. مال جَک و جانورهاست. خدا می‌گوید دیگر آدم نیستید. همز از مهمیز می‌آید. این سوارکارها پشت پاشنه‌ی پایشان را می‌بندند، آن فرد تا سوار یک مرکبی می‌شود، به زیر شکم آن اسب و قاطر یا آن استر و آن مرکبی که سوارند می‌زنند، این یک شوکی به او وارد می‌کند. ما آیه داریم می‌گوید: "وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ" وای بر آن کسانی که به مردم شوک وارد می‌کنند. یعنی یک تکه می‌اندازی، طرف موهایش سیخ می‌شود، می‌گوید ای کاش توی گوشم می‌زد اما این حرف را به من نمی‌زد. تا آخر عمرش هم یادش نمی‌رود. "وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ"^۲ می‌گوید خدایا پناه می‌برم از آن شوک‌هایی که ابلیس به من وارد می‌کند. همز بیشتر در حوزه‌ی لسانی است. دو نفر باهم تصادف می‌کنند، این پایین می‌آید، یک فحشی به آن می‌دهد، آن هم یک فحشی به این می‌دهد، قفل‌فرمان را برمی‌دارند می‌زنند همدیگر را ناکار می‌کنند. یا مثلاً طرف نشسته، به او می‌گویند بلندشو کانال را عوض کن، می‌گوید خودت عوض کن. دیگری می‌گوید: تو به کنترل نزدیک‌تر هستی، برو عوض کن. طرف سه متر عقب‌تر می‌رود که به کنترل نزدیک‌تر نباشد بعد می‌گوید تو حالا نزدیک‌تری، بهت می‌گویم فلان فلان شده برو جلو، نه نمی‌روم. این حواله‌ی آن می‌دهد، آن حواله این می‌دهد که می‌شود همز! آدم می‌شناسم سر همچین مسئله‌ای مادرش را کشته است. الآن مشاعرش را از فشار عصبی از دست داده‌است. چون پدرش هم فوت شده بود، برادر و خواهرهایش رضایت دادند الآن زندان نیست، بیرون آمده‌است. اما واقعاً مشاعرش را از دست داده‌است، این قدر فشار عصبی. ماجرا مال دو سه سال پیش است. یک لحظه عربده کشید و مادر یک چیزی گفت و رفت جلو و هل داد و تمام شد. بسیاری از این چیزها سر همین همز شیطان است. بین این پدر سوخته خبر دارد. چون دل ما را می‌خواند، دل آن‌ها را هم می‌خواند. بین تو به یک سری حرف‌ها هست خیلی حساس هستی، وقتی با یک نفر دعویت می‌شود، شیطان می‌رود در ذهنش به او ایده می‌دهد، می‌گوید اگر می‌خواهی به او تکه بیندازی، روی این حوزه تکه بینداز. دقیقاً همان حرفی را می‌زند که نقطه‌ی ضعف تو است، می‌گوید و تمام. بعد شیطان می‌ایستد قهقهه‌ی مستانه می‌زند. می‌گوید عجب این‌ها را به جان هم انداختم. این قدر می‌گویند که آقا من روی این مسئله حساس هستم که این طرف این حرف را می‌زند. در دعاها خیلی این حرف را شنیدید، من به این مسئله حساس هستم، بدان بازی خوردی.

۱ همزه ۱.

۲ مؤمنون ۹۷ و ۹۸.

مورد بعدی که از این هم بدتر می‌شود، نَزغ است. نَزغ حوزه‌ی حرفی نیست، عملی است. یک چوبی برمی‌دارند و یک حیوانی را می‌رانند. یک روشی دارد بالأخره با این چوب حیوان را می‌رانند. به این در عربی نَزغ می‌گویند. خدا می‌گوید به مرحله‌ای می‌رسید که شیطان نَزغ می‌کند. دیگر مرکبش هستی، باید برای او بروی. حضرت یوسف یک تکه به برادرهایش انداخت در حد لالیگا، می‌گوید شیطان نَزغ کرد بین من و برادرهایم^۱. یعنی آن‌ها را نَزغ کرد، کارشان دیگر در حوزه‌ی فحش و حرف نیست، چه کار کردند؟ فیزیکی او را داخل چاه انداختند. یعنی از حوزه‌ی حرف بیرون می‌کشد، اول همز بعدش نَزغ می‌آید. جلو می‌آید، می‌زند طرف را ناکار می‌کند. بازی نخورید. یاد بگیر دستت هرزه نباشد، دست هرزه آن دستی است که همین‌طور بیخود پرتاب می‌شود. جلوی خودت را بگیر. ضربه خوردی، همان موقع سریع شهادتین^۲ بخوان چون از مسیر صراط مستقیم کلاً بیرون آمدی. در صراط مستقیم اصلاً گناه نیست. هر گناهی که ما می‌کنیم، کلاً از صراط مستقیم بیرون می‌آییم، سریع شهادتین بخوان تا دوباره در صراط مستقیم قرار بگیری. آن لحظه بمیری، خیلی اوضاع بدی داری، سریع شهادتین بخوان، توبه کن. راهکار نَزغ هم بگویم، می‌گوید فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ^۳، سریع اَعُوذُ بِاللَّهِ بگو، سریع به خدا پناه ببر. پناهندگی سیاسی، خودت را بغل خدا بینداز.

مورد بعدی استِحْوَاذ است که دیگر خیلی بد است. با خَر کشتی گرفتن را در عرب می‌گویند استِحْوَاذ. دیدی گردن الاغ را می‌گیرند و می‌چرخانند و به زمین می‌زنند. یک بلوتوثی من دیدم یکی بود یک الاغی را چنان باهش کشتی گرفت و زمین زد، در ایران هم بود. به این می‌گویند استِحْوَاذ. می‌گوید برایش الاغی می‌شوی که همزش را کرده‌است، نَزغش را هم کرده‌است بعد حالا سواری‌اش هم گرفته‌است، استِحْوَاذ هم می‌کند. می‌گوید با این خَره یک کشتی هم بگیریم.

دقیقه ۵۵ تا ۶۰- حالا خداوکیلی ببینید همه را شیطان فریفت ترجمه کرده‌اند. من می‌گویم تفسیر قرآن بخوانید، ترجمه‌ها کافی نیست. این به خاطر ویژگی‌های زبان عربی است. کامل‌ترین زبان دنیاست.

اضلال مورد دیگرش است. اضلال از گمراهی می‌آید، از ضال. دیگر این‌ها که انجام بشود، کلاً دیگر در صراط مستقیم نیستی، بیرون آمدی، کلاً ارتشت فتح شده‌است، حتی داری به نفع شیطان می‌جنگی. کلاً نه تنها به سمتش شلیک نمی‌کنی، داری یاران خدا را هم به نفع شیطان می‌زنی.

مورد بعدی خَطُوات الشیاطین است. وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِینٌ^۴، قدم به قدم، پا جا پای شیطان گذاشتیم، اول رفیقش شدیم، إِنَّ الشَّیْطَانِ لَیُوْحُوْنَ اِلیَّ اُولِیِّائِهِمْ^۵، بعد آمدیم و اصلاً کار خراب شد. شدیم اُولِیکَ کَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ^۶، بدتر از آن، پایین آمدیم. گام به گام با شیطان آمدیم، صراط مستقیم را گم کردی. اضلال، ضال شدی، غَیْرِ الْمَعْصُوبِ عَلَیْهِمْ وَلَا الضَّالِّیْنَ!

۱ «وَرَفَعَ اَبُوْبِهِ عَلَی الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا اَبَتَ هَذَا تَاوِیْلُ رُؤْیَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ اَحْسَنَ بِي اِذْ اَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدُوِّ مِنْ بَعْدِ اَنْ نَزَعَ الشَّیْطَانُ بَنِيَّ وَبَنِيَّ اِخْوَتِي اِنَّ رَبِّي لَطِیْفٌ لِّمَا یَشَاءُ اِنَّهُ هُوَ الْعَلِیْمُ الْحَكِیْمُ» / یوسف ۱۰۰.

۲ گواهی دادن به یگانگی خدا و رسالت حضرت محمد(ص) است و با گفتن مضمون این دو جمله: «أَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ» گواهی می‌دهم خدایی جز خدای یگانه نیست و گواهی می‌دهم همانا محمد پیامبر خدا است»، محقق می‌شود. کسی شهادتین بگوید، مسلمان است و احکام اسلام بر او جاری می‌شود.

۳ اعراف ۲۰۰ / نحل ۹۸ / غافر ۵۶ / فصلت ۳۶.

۴ بقره ۱۶۸ و ۲۰۸ / انعام ۱۴۲.

۵ «وَلَا تَاْكُلُوْا مِمَّا لَمْ یَذْكُرِ اللهُ عَلَیْهِ وَاِنَّهٗ لَمَسْقُوْۤا وَاِنَّ الشَّیْطَانِ لَیُوْحُوْنَ اِلیَّ اُولِیِّائِهِمْ لِیَجَادِلُوْكُمْ وَاِنْ اَطَعْتُمُوْهُمْ اِنَّكُمْ لَمَشْرُكُوْنَ» / انعام ۱۲۱.

۶ «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ کَثِیْرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ لَمَّا قُلُوْۤا لَا یَفْقَهُوْنَ بِمَا وُحِّیَ اِلَیْهِمْ اِلَّا سَوَیَّاتٍ مِّنْ اَحْاٰۤیِیْمٍ لَّا یُبْصِرُوْنَ بِهَا وَهُمْ اَعْمٰی اَذٰنًا لَا یَسْمَعُوْنَ بِهَا وَاُولٰٓئِكَ كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ لَمَّا قُلُوْۤا لَا یَفْقَهُوْنَ» / اعراف ۱۷۹.

مورد بدی استحو است. استحو مانند حمله‌ی عقاب است که از بالا به موش می‌کند، آن موش نمی‌داند کی خورده شد. اصلاً نمی‌فهمد چه کسی بود من را خورد. این قدر حمله سریع است و از پشت سرش می‌زند که موش می‌گوید چه کسی بود؟ من کجا هستم الان؟ در شکم عقاب است. می‌گوید. همین طوری می‌گوید خرما شدی، گرفتت، تمام هستی. دیگر این جا جایی است که واقعاً برگشتن سخت است. حضرت امیر فرمود: در دلتان تخم می‌گذارد، بعد روی این تخم‌ها می‌خوابد، جوجه‌شان می‌کند و آره به قُدُق و قوقولی قوقو گفتن هم می‌آفتند. بعد قلبت فریادهای شیطانی می‌زند. خدا آن روز را نیاورد. یک راهکار دیگر هم دارد. تا می‌خواهی برگردی، ناامیدی از رحمت خدا را به دلت می‌اندازد. این استادانه‌است، اصلاً این گناه ناامیدی، گناه کبیره است. می‌گوید بدبخت، این همه گناه کردی، ول کن دیگر، تو از دست رفتی، نمی‌شود. این طور نیست، صدار اگر توبه شکستی باز آ، باز آ، این درگه ما درگه نومیدی نیست، برگرد. یک چیزی بگویم عشق کنی، کیف کنی. ما در این دنیا هیچ چیز نداریم که اگر به دست بیاوریم مطمئن باشیم که این را به خدا می‌رسانیم. مثلاً نمازهای خوبی خواندم، ممکن هست بزنی فاتحه‌اش را بخوانی. صدقه زیاد دادم، روش باطل کردنش را خوب بلد است، اعمال دست راستی را خراب کند، فاتحه‌اش را بخوانی. هیچ چیزی را نمی‌توانی قسم حضرت عباس بخوری که می‌توانی کامل دست خدا برسانی، چون خدا می‌گوید این حسنات را، باید برای من بیاورید، نه این که بفرستید. می‌گوید من جاء، یعنی هرکسی با آن اعمالش بیاید. مثلاً طرف می‌رود از چین بار می‌خرد، در بندر چین بخرد یک قیمتی دارد، بندر عباس بیاید یک قیمتی دارد، تهران بیاورد یک قیمت دیگر دارد، قیمتش بیشتر می‌شود. یک چیزی هست حاضریم قسم حضرت عباس بخورم با خودمان می‌بریم. رفتیم نگاه کردم دیدم دقیقاً حدسم درست است. روایت هم داریم. قرآن نمی‌گوید من جاء بالحسنات، بلکه می‌گوید من جاء بالحسنه، اصلاً حسنات نیست، فقط یک چیزی است که می‌توانید با خودتان قطعاً ببرید، مطمئن هستید که می‌برید. اون هم چیست؟ حدسم یک حسنه بود، اما چون حدس و گمان خودم بود نمی‌توانستم بگویم، رفتیم تفسیر برهان^۴ را دیدم، متوجه شدم روایت هم داریم. حُبّ اهل بیت است.^۵ گناه کردم، خدایا به حضرت عباس قسم من محبّ عباس بودم. من در این که محبّ امام حسین هستم هیچ شکی نیست، دوستش دارم، حالا گناه هم کردم. دوست نداشتم گناه کنم. خدایا اسمت هم غفور است. غفور یعنی بخشنده. پس یک کسی باید یک خطایی کند که خدا ببخشد. یا غَفَّارَ الذُّنُوبِ^۶. مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْغَفُورُ وَأَنَا الْمَذْنِبُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَذْنِبَ إِلَّا الْغَفُورُ^۷، این جاست که شیطان ناامیدت می‌کند، بازی نخوری. می‌گوید اَلْهِی وَ رَبِّی وَ مَوْلَايَ قُلْتَ فِی کِتَابِکَ وَ قَوْلِکَ الْحَقُّ، خدایا ای سید من، ای بزرگ من، ای مولای من، تو در کتابت گفتی و آن حرفت حق است. من جاء بالحسنه.

دقیقه ۶۰ تا ۶۵- هرکسی با حسنه‌اش بیاید، و لیس لی حسنه، و لیس لی حسنات، من نه حسنه‌ای دارم نه حسناتی، إِلَّا بُكَاءَ لِقَتْلِ الْعَبْرَاتِ، جز اشک بر حسین. مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ يَا رَبَّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، لیس لی شیء، یا رَبَّ الْجِنِّ وَ النَّاسِ، لیس لی شیء إِلَّا حُبَّ مَوْلَايَ الْعَبَّاسِ، من

۱ «صِرَاطُ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» / فاتحه ۷.

۲ «اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لَارِثِهِمْ مَلَكَ، وَ اتَّخَذَهُمْ لَهُ أَشْرَكَ، فَبَاصٍ وَ فَرَحٍ فِي صُدُورِهِمْ، وَ دَبَّ وَ دَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ، فَنَظَرَ بِأَعْيُنِهِمْ، وَ نَطَقَ بِأَلْسِنَتِهِمْ، فَرَكِبَ بِمِ الْزَّلِّ، وَ زَيَّنَ لَهُمُ الْخَطْلَ، فَعَلَّ مَنْ قَدْ شَرِكَةُ الشَّيْطَانِ فِي سُلْطَانِهِ، وَ نَطَقَ بِالْبَاطِلِ عَلَى لِسَانِهِ! شَيْطَانُ رَا مَلَكَ وَ پِشْتَوَانَه زَنْدِگِی خُود گَرْفَتَنْد، او هَم از آنان به عنوان دام استفاده کرد، در درونشان لانه کرد، و در دامشان پرورش یافت، چشمشان در دیدن چشم شیطان، و زبانشان در گفتن زبان شیطان شد، بر مرکب لغزشها سوارشان کرد، و امور فاسد را در دیدگانشان جلوه داد، کارشان کار کسی است که شیطان او را شریک سلطنت خود قرار داده، و با زبان او به یاهو سرایی برخاسته است.» / خطبه ۷ - خطبه مریدان شیطان را مذمت می‌نماید، نهج البلاغه.

۳ «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَرَعٍ يُؤْمِنُ آمِنُونَ» / نمل ۸۹.

۴ البرهان فی تفسیر القرآن، از مهمترین تفاسیر شیعی و روایی قرآن کریم، تألیف سید هاشم بحرانی.

۵ «الْحَسَنَةُ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَ السَّيِّئَةُ بُغْضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» / البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، سید هاشم، ج ۴، ص ۲۳۴.

۶ ای آموزنده گناهان (غفار الذنوب: یکی از نام‌های خدای تعالی).

۷ «مولای من ای مولای من تویی آموزنده و منم گنهکار و آیا رحم کند گنهکار را جز آموزنده؟» / فرازی از مناجات امیرالمومنین (ع) در مسجد کوفه؛ المزار الکبیر، ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۷۳-۱۷۷.

این را دارم، این را مطمئن هستم، این را با خودم می‌برم، این آن روزنه‌ی نوری است که اگر سیاه سیاه هم شدی برمی‌گردی، نترس، شیطان یک وقت ناامیدت نکند. برمی‌گردی، آن بذری است که از اول در گل تو هست، شیعیان ما را از اضافه‌ی گل ما آفریدند^۱، آن شب‌نم عشق است که به این خاک خورده و گل شده، آلوده می‌شود، رویش را لعاب می‌گیرد، اما این گل می‌کشد و می‌برد. اصلاً اهل-بیت آدم را می‌کشند و می‌برند. مثل یک بذری که می‌بینی ۲۰ سال در یک بیابانی است آب نخورده‌است، بعد ۲۰ سال باران تا می‌آید، باران در این بیابان‌ها که می‌آید یک‌مرتبه سرسبز می‌شود، با خود می‌گوید: این همه این‌جا گیاه بوده‌است؟ آن آب را باید بخورد. آن آب هم اشک بر اباعبدالله است، اشک بر اباعبدالله گل خلقت را زنده می‌کند. کِشش دارد، نام اهل بیت کِشش دارد. نور الهی کِشش دارد. بابا سگ اصحاب‌کُهِف^۲ حیوان بود، نور الهی این را می‌کشید می‌برد. وقتی اباعبدالله هَلْ مِنْ نَاصِرٍ یَنْصُرُنِی^۳ سر می‌دهد، آن بچه‌ی شش ماهه‌ی داخل گهواره هم تکان می‌خورد. بعضی‌ها با خودشان می‌گویند آخر مگر بچه‌ی شش ماهه می‌فهمد که تکان بخورد؟ می‌گویم بله، نامرد، نمی‌شود این‌جا مثال زد، اما می‌گویم بروید داستان اصحاب‌کُهِف را بخوانید. شش‌ماهه‌ی اباعبدالله تکان خورد، خودش را از گهواره بیرون پرت کرد. آن خواستن امام می‌کشد، آن خواست در دلمان هست، در وجودمان هست، در این هیچ شکی نداریم. به این فکر بکنید، هر لحظه دیدی گناه کردی، شهادتین بگو، برگرد. بگو خدایا به علی‌اصغر امام حسین من را ببخش. چون حضرت علی‌اصغر داستانش فرق می‌کند، بارها گفتم. الان این غزه‌ای‌ها را نگاه می‌کنید، همه‌ی ماجرا یک طرف این بچه‌هایی را که زدند، نگاه می‌کنید، خدا شاهد است خیلی فرق دارد. حالا که روزه‌ایم درک می‌کنیم یعنی چه، روزها بلند است، آن روزهایی هم که زیاد بیرون رفتی چرخیدی آفتاب خوردی، الله اکبر! تشنگی آن است که آب به تو نرسد، عطش یک چیز دیگر است! کسانی که تصادف می‌کنند سلول سلول بدنشان آب می‌خواهد، چون خون از بدنشان می‌رود. یعنی حتی دست این‌ها را هم داخل آب می‌کنی، آرامش پیدا می‌کنند. آب هم نباید بهشان داد، دستمال را خیس می‌کنند، به لب‌هایشان می‌زنند. آیا این آب را خورده‌است؟ نه، اما آرامش پیدا می‌کند. یعنی سلول، سلول بدن آب می‌خواهد. آن خونی که از پیکر مبارک حضرت اباعبدالله رفت، این شمشیرها هم سنگین بود. مثلاً تو فکر کن ۲۰ کیلو آهن را دستت بگیر، مدام بچرخانی، بچرخانی. ۵ ساعت، ۶ ساعت این آهن را بچرخانی، به خدا نمی‌توانی. حضرت علی‌اکبر وقتی برگشت چه گفت؟ بار اول رفت، برگشت، گفت اَلْعَطَشُ قَدْ قَتَلَنِی^۴. بعد دومین چیزی که در موردش نالید همین سنگینی سلاح بود. گفت: این سیف (شمشیر) هم خیلی سنگین است، بابا از کت و کول افتادم، عطش، سنگینی سلاح، آفتاب گرم! خون هم رفته‌است، آب هم نخورده‌است. وقتی خون می‌رود یک آبی لااقل به این لب‌ها بزنند. حضرت علی‌اکبر زبان از دهان مبارک درآورد دید مثل چوب خشک شده است، خشک بود. حضرت علی‌اصغر لب‌هایش خشک خشک بود، نمی‌توانست برسد. در مورد آقا اباعبدالله نقل شده که دیگر آسمان را دود می‌دید! چنان این چشم‌ها سیاهی می‌رفت، اصلاً آسمان را سیاه می‌دید. بعد در آن آشفتگی، این شمشیر، خون از بدن رفته‌است، این حروم‌زاده‌ها می‌گفتند به خیمه‌ها حمله کنید. وقتی علی‌اصغر را به میدان می‌برد، می‌گوید مردم این بچه است، تَلْطِی اَوْنَ مَاهِی که بیرون افتاده‌است، هر زمان دیدی ماهی دهانش را باز و بسته می‌کند، دیگر در آب هم برگردانی باز هم می‌میرد، روی آب می‌آید. می‌گوید وقتی طفل من به تَلْطِی افتاده‌است یعنی چه آب بدهید، چه آب ندهید این می‌میرد، بیایید لااقل بگویید این قدر کثیف و خبیث و نجس نبودید. در تاریخ لااقل بگوییم این کار را کردند. حضرت علی‌اصغر حجت تمام کرد.

۱ امام صادق علیه السلام فرمودند: «شِعْرُنَا خُلِقُوا مِنْ فَاضِلِ طِبْنِیَّتَا وَ عُجْنُوا بِمَاءٍ وَ لَا یَبِئَا یَجْزُونَ لِحُزْنِنَا وَ یَفْرَحُونَ لَفَرْحِنَا؛ شیعیان ما از باقیمانده گل ما آفریده شده اند، ولایت ما در سرشت آنان عجین گشته است، آنان با خوشی ما خوشحال و با ناراحتی ما ناراحتند.» / شجره طوبی، ج ۱، ص ۳.

۲ در قصص قرآنی نام گروهی از مؤمنان است که از ستم پادشاهی مشرک به غاری پناه بردند و سالیانی دراز به خوابی عمیق رفته و سپس بیدار شدند.

۳ ر.ک: اللهوف علی قتلی الطفوف، ابن طاووس، علی بن موسی، ص ۱۰۲ و ۱۱۶، تهران، جهان، چاپ اول، ۱۳۴۸ ش.

۴ الملهوف علی قتلی الطفوف، سید بن طاووس، ص ۱۶۶ / الفتوح، کوفی، ابن اعثم، ج ۵، ص ۱۱۵ / مقاتل الطالبین، اصفهانی، ابوالفرج، ص ۷۷.

دقیقه ۶۵ تا ۶۷- امروز هم این صهیونیست‌ها^۱ دارند حجت تمام می‌کنند جلوی چشم‌های این حرام‌لقمه‌های افراطی، (چه شیعه چه سنی) که دارند می‌بینند. طرف می‌گوید آقا این فلسطینی‌ها ناصبی‌اند، نریم. الله‌اکبر، آن بی‌جهی کوچک را تو نمی‌بینی؟ خدا شاهد است خیلی آدم باید بی‌شرف باشد، پس تو یزیدی هستی، چون دشمنت هست می‌گویی. اصلاً به فرض ناصبی هم باشند که نیستند، من به شما می‌گویم. این توطئه‌ای بود که خود همین صهیونیست‌ها کردند. برای همین عکس فتوشاپ می‌کردند با پرچم داعش^۲ و می‌بردند پخش می‌کردند. به فرض که اصلاً دشمنت هست، مگر اباعبدالله دشمن آن‌ها نبود؟ انتظار داشت آب بدهند یا نه؟ بشریت انتظار داشت آب بدهند یا نه؟ داشت. گفت دین ندارید آزادمرد باشید^۳. تو چه فرقی داری وقتی این طوری بی‌جهی کوچک را دارند به خاک و خون می‌کشند؟ حالا می‌فهمیم روضه‌ی علی اصغر واقعی بوده‌است، ما می‌فهمیم، این را داریم درک می‌کنیم. تشنگی بد دردی است. حالا ماه رمضان هست، فردا روز قدس بیرون می‌روی، یک مقدار بیشتر در آفتاب تشنه‌ات می‌شود. دم افطار می‌دانم اذیت می‌شوی، آن موقع من ازت خواهش می‌کنم، فقط روضه‌ی علی اصغر را جلوی چشمت بیاور. **وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ^۴**، سه تا صلوات عنایت بفرمایید.

۱ صهیونیسم یک حرکت سیاسی و مذهبی متعصب و افراطی بوده که هدفش برپا نمودن دولت یهود در فلسطین می‌باشد، دولتی که توسط آن تمام جهان را تصاحب کنند.

۲ ناصبی، کسی است که نسبت به امام علی (ع) یا یکی از اهل بیت دشمنی ورزد. انکار فضایل اهل بیت، مقدم داشتن غیر آنها بر آنان، دشنام دادن ائمه و دشمنی با شیعیان از مصادیق نصب شمرده شده است. از نظر فقهای شیعه نواصب در حکم کفار هستند. به همین دلیل، شیعیان به هیچ وجه اهل سنت را ناصبی نمی‌دانند.

۳ داعش (دولت اسلامی عراق و شام)، گروه مسلح تروریستی با عقبه فکری سلفی- جهادی (تکفیری) است. هدف سازمان دهندگان داعش بازگرداندن چیزی است که آن را «خلافت اسلامی و اجرای شریعت» می‌نامند. این گروه تروریستی توسط اسرائیل و آمریکا حمایت می‌شود.

۴ امام حسین (علیه السلام) فرمودند: **«وَجَعَلْتُكُمْ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سَفْيَانَ! إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ، وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ، فَكُونُوا أحراراً فِي دُنْيَاكُمْ هَذِهِ، وَارْجِعُوا إِلَى أَحْسَابِكُمْ إِنَّ كُنْتُمْ عَرَباً كَمَا تَزْعُمُونَ؛** وای بر شما! ای پیروان آل ابی سفیان! اگر دین ندارید و از حسابرسی روز قیامت نمی‌ترسید لاقلاً در دنیای خود آزاده باشید، و اگر خود را عرب می‌دانید به خلق و خوی عربی خویش پایبند باشید»/ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۵۱/ مقتل الحسین خوارزمی، ج ۲، ص ۳۳ (ج ۲، ص ۳۸، الناشر: انوار الهدی، چاپ دوم، سنه ۱۳۸۱ ش - ۱۴۲۳ ق).

۵ **«إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيراً وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»**/ شعراء ۲۲۷.

دعاى عهد

اللَّهُمَّ رَبَّ الثُّورِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَ مَنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزُّبُورِ وَ رَبَّ الطَّلْحِ وَ الحُجُورِ وَ مَنْزِلَ الْفُرْقَانِ (الْفُرْقَانِ) الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْأَنْبِيَاءِ (وَ) الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ (بِاسْمِكَ) الْكَرِيمِ وَ بُرُوجِكَ الْمُبِينِ وَ مُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَ الْأَخْرُونَ يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ يَا مُجِيبِي الْمَوْتَى وَ مُمِيتِ الْأَحْيَاءِ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَّ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَعَارِبِهَا سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ عَيِّ وَ عَنِّ وَالِدَيَّْ مِنَ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ مَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ (كِتَابُهُ) وَ أَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ (عِلْمُهُ) اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَ عَهْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي غُفْيِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أُرْوُلُ أَبَدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الدَّابِّينَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ (وَ) الْمُتَمَتِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ) وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ إِنْ خَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَيْتَنِي شَاهِرًا سَيَفِي مُجْرَدًا قَنَاتِي مُلْتَبِيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ أَحْمِلْ نَاطِرِي بِنَظَرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ أَوْسِعْ مِنْهَجَهُ وَ اسْلُكْ بِي مَخْرَجَتَهُ وَ أَنْهَدْ أَمْرَهُ وَ اشْدُدْ أَرْزُهُ وَ اغْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَ أَحْيِي بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَطْفَرُ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرَقَهُ وَ يُحِقِّ الْحَقُّ وَ يُحَقِّقُهُ وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَ مُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَ مُشَدِّدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَ سُرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِرُؤُوبِهِ وَ مَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ وَ ارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَ عَجَلِ لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ بَرُّوْنَهُ بَعِيدًا وَ نَرَاهُ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. الْعَجَلِ الْعَجَلِ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

اصلاحیه

۱. دقیقه‌ی ۱۵ تا ۲۰، صفحه‌ی ۷: در متن «آیه‌اش در قرآن درمورد پیامبران هست. به آن‌ها هم القاء اُمْنِیَه می‌کند، یک شوق باطل در یک چیز خوب به وجود می‌آورد که نسبت به آن هدف اصلی، سست‌تر است» آمده است که عین این آیه در قرآن وجود ندارد بلکه اشاره دارد به آیه ۵۲ سوره حج: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَّى الْأَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْفِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ».

۲. دقیقه‌ی ۶۰ تا ۶۵، صفحه‌ی ۱۸: در متن «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي» آمده است، این عبارت که به امام حسین(ع) منسوب است، در منابع حدیثی و تاریخی دقیقاً به همین صورت نقل نشده است، اما همین معنا با تفاوت‌هایی در متن و با عبارت‌های دیگر نقل شده است:

۱. در آغاز نبرد؛ هنگامی که دو سپاه روبروی هم قرار گرفتند، امام حسین(ع) صدا زد: «أَمَا مِنْ مُغِيثٍ يُغِيثُنَا لَوْجِهَ اللَّهِ؟ أَمَا مِنْ ذَابٍ يَذُبُّ عَنِ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ؟» [۱] «آیا دادرسی نیست که برای رضای خدا به داد ما برسد؟ آیا دفاع‌کننده‌ای نیست که از حریم رسول خدا دفاع کند؟». که به دنبال آن، حرّ بن یزید ریاحی از سپاه عمر بن سعد جدا شده و به امام حسین(ع) پیوست و به درجه شهادت رسید. [۲]

۲. وقتی که امام حسین(ع) دید که جوانان و دوستانش همه کشته شده و روی زمین افتاده‌اند تصمیم گرفت که خود به جنگ دشمن برود، پس چنین صدا زد: «هَلْ مِنْ ذَابٍ عَنِ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ؟ هَلْ مِنْ مُوَجِدٍ يَخَافُ اللَّهُ فِيْنَا هَلْ مِنْ مُغِيثٍ يَرْجُو اللَّهَ بِإِعَانَتِنَا هَلْ مِنْ مُعِينٍ يَرْجُو مَا عِنْدَ اللَّهِ فِي إِعَانَتِنَا؟» [۳] «آیا کسی هست که از حرم رسول خدا دفاع کند؟ آیا خداپرستی هست که درباره ما از خداوند بترسد؟ آیا دادرسی هست که به امید پاداش خداوندی به فریاد ما برسد؟ آیا یآوری هست که به امید آنچه نزد خدا است ما را یاری کند؟». این‌جا فرد دیگری به یاری حضرتشان نشتافت و حضرتشان غریبانه به شهادت رسید.

منابع

[۱]. ابن طاووس، علی بن موسی، الملهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۰۲، تهران، جهان، چاپ اول، ۱۳۴۸ش.

[۲]. همان.

[۳]. همان، ص ۱۱۶.

<https://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa53539>

۳. دقیقه‌ی ۶۰ تا ۶۵، صفحه‌ی ۱۸: در متن «الْعَطَشُ قَدْ قَتَلَنِي» آمده است که در منابع زیر بدین صورت بیان شده:

«يا ابة، العطش قد قتلني و ثقل الحديد قد اجهدني فهل الي شربة ماء من سبيل؟؛ پدر جان، تشنگی مرا کشت و سنگینی آهن (زره) بی تابم کرد. آیا آبی هست؟» / سید بن طاووس، الملهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۶۶ / کوفی، ابن اعثم، الفتوح، ج ۵، ص ۱۱۵ / اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبین، ص ۷۷.

[http://wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA_%D8%B9%D9%84%DB%8C%E2%80%8C%D8%A7%DA%A9%D8%A8%D8%B1_\(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85\)](http://wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA_%D8%B9%D9%84%DB%8C%E2%80%8C%D8%A7%DA%A9%D8%A8%D8%B1_(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85))

1. <http://www.parsquran.com>
2. http://fa.wikishia.net/view/%D8%AD%D8%AF%DB%8C%D8%AB_%D9%85%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%AA
3. <http://www.valiasr-aj.com/persian/shownews.php?idnews=7533>
4. <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=23&lid=0&catid=23995&mid=249480>
5. <http://lib.eshia.ir/11005/1/376>
6. <http://lib.eshia.ir/11005/1/371>
7. <http://lib.eshia.ir/11024/18/567>
8. <http://lib.eshia.ir/11024/20/287>
9. <http://lib.eshia.ir/11024/11/492>
10. <http://www.erfan.ir/mafatih312>
11. <https://rasekhoon.net/hadith/show/888284>
12. <http://lib.eshia.ir/15139/1/446>
13. <http://www.erfan.ir/farsi/nahj2-47>
14. <http://www.erfan.ir/farsi/nahj3-1>
15. <http://lib.eshia.ir/71664/4/234>
16. <http://www.erfan.ir/farsi/nahj1-7>
17. <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=13&lid=0&catid=27006&mid=81777>
18. http://fa.wikishia.net/view/%D9%85%D9%86%D8%A7%D8%AC%D8%A7%D8%AA_%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%AF%D8%B1_%D9%85%D8%B3%D8%AC%D8%AF_%DA%A9%D9%88%D9%81%D9%87
19. <https://rasekhoon.net/hadith/show/572521>
20. [http://wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA_%D8%B9%D9%84%DB%8C%E2%80%8C%D8%A7%DA%A9%D8%A8%D8%B1_\(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85\)](http://wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA_%D8%B9%D9%84%DB%8C%E2%80%8C%D8%A7%DA%A9%D8%A8%D8%B1_(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85))
21. <https://rasekhoon.net/hadith/show/888905>
22. <http://lib.eshia.ir/10509/2/38>
23. <http://lib.eshia.ir/11008/45/51>
24. <https://makarem.ir/main.aspx?reader=1&pid=61827&lid=0&mid=11039>
25. <https://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa53539>